

رئیس رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای اخگر آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوسه نفری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدبرالملک (به تفصیل ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ به عوض قیمت معتدل این جمله نوشته شود که قیمت نفت در ایران باید در صدشش افلا کمتر از قیمت بازار دنیا فروخته شود. رئیس نظیر این پیشنهاد رد شد گمانم اینست این هم رد شود. مدبرالملک بنده فقط مقصودم از این پیشنهاد این است که رعایت حال ایرانی ها شده باشد زیرا در اینجا بقدری مخارج و اشکال تراشیده شده است که کمیسیون معتقد و متثبت شده است باینکه بیشتر از قیمت بازار دنیا نباشد. بالاخره می فهماند که آن مخارج جزئی که در تعقیب این ماده است بقدری زیاد میشده است که مجبور کرده است کمیسیون را بیک کلمه پس در این صورت وقتی که قسمت الف ماده ۱۲ را لغو میکند بهتر این است که مایک چیزی را قائل بشویم که یک منفعتی برای ایرانی داشته باشد و افلا صدشش صد چهارصد دو کمتر از قیمت سایر جاها به ایرانی بفرود. رئیس رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. هشت فقره اصلاح هم از طرف آقای کی استوان رسیده ولی ایشان غائبند و گمان می کنم شخص غائب نتواند اصلاحی پیشنهاد کند. (جمعی از نمایندگان - صحیح است) رئیس مدعی می گیریم بماده ۱۲ با اصلاحاتی که شده است یعنی در سطر سوم لفظ مجموع قبل از قطعات چهار گانه اضافه میشود و در سطر پانزده لفظ و غیره زده میشود. پیشنهاد آقای رئیس التجار هم که قبول شده است گویا در سطر هشتم بعد از لفظ مازوت و نفت تصفیه نشده باید اضافه شود این قسمت قرائت میشود. (بشرح ذیل قرائت شد) دولت وسکنه ایران حق خواهند داشت که در کارخانه تصفیه یا در مخزن هائی که صاحب امتیاز تاسیس کند نفت تصفیه شده (کروژین) بنزین (کازولین و مازوت) و نفت تصفیه نشده و سایر مواد هیدرو کار بور متجانس نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (امانه برای صدور از ایران) رئیس - مقصود همین بود (صحیح

است) رای گرفته میشود بماده ۱۲ با این سه فقره اصلاح. آقایانیکه ماده ۱۲ را تصویب می کنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شده. اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم. (نمایندگان صحیح است) جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم لایحه نفت است بایشهاد آقای مصدولی میرزا یعنی لایحه یک دوازدهم دولت راجع بحقوق برج سلطان آقای دامغانی. (اجازه) دامغانی - مدتها است که سؤالاتی از آقایان وزراء مخصوصا از آقای وزیر مالیه شده استدعا می کنم مقرر فرمائید آقای وزیر مالیه تشریف بیاورند و جواب سؤالات را بدهند. رئیس تذکر داده میشود. آقای دولت آبادی (اجازه) حاج میرزا یحیی دولت آبادی - اگر ممکن است برای جلسه آتیه راجع بشیخ صادق مفلوح مذاکره بشود. رئیس آن هم جزو دستور گذاشته میشود. آقای محمدولی میرزا (اجازه) محمدولی میرزا عرض بنده همان بود که فرمودید. رئیس آقای مدبرالملک (اجازه) مدبرالملک بنده خواستم عرض کنم که آن نسخه را بفرمائید زودتر طبع کنند. زیرا که حقیقتا اساس لایحه همان نسخه فرانسه است. رئیس - مشغول طبع هستند. پیشنهاد آقای نظام التولیه قرائت می شود. (بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه امتیاز نفت زودتر بگذرد جلسات در هفته پنج روز تشکیل شود. (جمعی از نمایندگان - رد شده است) رئیس - عده کافی نیست والا رای گرفته میشود. (مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی مؤتمن الملك منشی - معظم السلطان - شهاب

جلسه ۴۲

صورت مشروح مجلس  
یوم سه شنبه هفتم اسد  
۱۳۰۴ مطابق بیست و ششم  
شهر ذی حجه سنه ۱۳۴۴  
مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه) اسدرا آقای آقامیرزا شهاب - الدین قرائت نموده) رئیس - آقای سردار منتصر (اجازه)

سردار منتصر - بنده دو ساعت کتباً اجازه خواسته بودم و مراسم غائبین بدون اجازه نوشته اند رئیس - کمیسیون اجازه داده است یاخبر؟ سردار منتصر - اجازه نامه را حضور مبارک فرستاده بودم

آقای سید بقوب - مطابق همان تصمیم کمیسیون بود سابقاً در مجلس بحث شده است که تا یک تصمیم جدیدی اتخاذ نشود کمیسیون نمیتواند اجازه بدهد چون قبل از جلسه بوده است و ضمناً میخواستیم عرض کنم دو فقره راپورت مرخصی است که آقایان مریض میباشند و اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون هم اجازه داده و راپورتش را تقدیم نموده است خوب است قبل از دخول در دستور رای گرفته شود

رئیس - آقای مدرس اجازه خواسته اند مطلبی را اظهار کنند مدرس - مطلبی را که میخواهم عرض آقایان برسانم این است در حقیقت از روز انعقاد مجلس شورای ملی هر روز با هر هفته با هر ماه (مبالغه نشود) یک وضعیات و یک رنگهای مختلفی برای ما اتفاق افتاده که در حقیقت حالا خوب بود یا بد

در نتیجه اش يك زحمتها می هم برای دولت هم برای مجلس و هم برای مردم تولید شد که نتوانستیم درست آن خدمتی که در این چند ماه بایستی کرده باشیم بمقیده من آن خدمت را بخوبی انجام داده باشیم حالا این رنگها منشأش چه بوده صلاح بود؟ فساد بود؟ خوب بود؟ بد بود؟ داخل در آن مذاکرات نمی شویم همینقدر رنگهای عجیب و غریب بی سابقه بود که ما فکرش را ننکرده بودیم تا رنگ اخیر که مسئله حکومت نظامی بود و مسئله حکومت نظامی را بمقیده من قانون شامل نمیشد. بایاید از مجلس اجازه گرفت یا صلاح نبود هر چه بود با این صدماتی که بر مردم وارد میآید که مشهود تمام مردم و تمام دنیا هست خوب نیست یا آنکه صلاح نیست ماها مخالف بودیم و مخالف هم هستیم و بعضی رفقا چون میل نمیشدند این مسئله در مجلس مذاکره شود که بنده هم یکی از آنها بودم خواستیم در خارج مجلس يك کمیسیونی از

عقلا این مسئله را حل فرمایند در کمیسیون هم آقایان مشیرالدوله و مستوفی المالک و سایر وجوه تشریف داشتند که نفواستیم این مسئله زیاد در مجلس مذاکره شود بلکه در خارج مجلس در آن کمیسیون حل شود.

اگرچه بنده خودم عضو کمیسیون نبودم که کاملاً مذاکرات آن را بفهم ولی کیف کان مقصود ما این بود که بلکه این مسئله در خارج مجلس حل شود و در مجلس خلاف نزا کتی صحبت نشود.

متأسفانه این هم نشد و بالاخره منتهی باین شد که بعضی آقایان رفقا مجبور شدند بجهت بیان وضعیات که ناگوار بود در مجلس صحبتی بدارند

آقای ملک الشعراء صحبت نمودند آقای حایری زاده اظهاراتی فرمودند. البته حفظ شئون و مراتب مجلس بر هر چیزی مقدم است.

آقای رئیس هم بمقتضای وظیفه خودشان که موجب تشکر است البته باید حفظ نظر و حفظ نظامنامه را بکنند که وضعیات مجلس محفوظ باشد.

لهذا اگر بنا شود همه روزه بنده یکی از آقایان بخواهیم از ناگواروی وضعیات و عملیاتی که میشود و رفتار هائی که میشود که بنده عقیده ام این است در سیصد سال چهار صد سال استبداد هم سابقه نداشته است و اگر بود در تاریخ هم خواننده میشد که فلان بچه هفت ساله را حبس کنند یا فلان زن را کتک بزنند و بنیاست همه روزه در مجلس که ابهت و جلالتش لازم است و باید وضعیاتی خیلی وضعیات نیکو باشد و بعضی اوقات هم ملاحظه میشود که آقای رئیس مجاهدت فوق العاده میفرمایند که این مسئله محفوظ ماندن و بمقیده من هم باید محفوظ ماندن ما هم عقیده نداریم که هر روز يك زکری بشود که سوه بیانی باشد گمان می کنم سایر آقایان هم هم مایل باشند.

ومن من تقدیس میکنم که این نوعی بیانی که چند روز قبل شد کانه همه آقایان میل نداشتند این نوعی بیانی بشود حتی من که ملتفت نشدم کدام يك از آقایان بودند گویا شاهزاده سلیمان میرزا بودند که فرمودند چرا این بیانات میشود استیضاح کنید و ما را دعوت باستیضاح فرمودند از آنجائیکه نمی شود سکوت کرد از این وضعیات از آن طرف هم باید ابهت و جلالت و نزا کت در مجلس شورای ملی محفوظ باشد بنده عرض میکنم وضعیات ناگوار است سکوت هم نمی شود کرد.

لذا اجابت کردیم دعوت دعوت کننده را و این ورقه استیضاح را تقدیم میدارم نجات استیضاح هیچوقت سابقه نداشته که باز کر مقدمه باشد مدرس - این کلمات را از من میخواهم عرض کنم فقط استیضاح من از من است بدون سردار سپه

است در رأی سیاست والا از حیث وزارت جنگی ایشان اگر ترتیبی بشود که وزیر جنگ باشد بنده هم طرفدار ایشان میباشم و همیشه هم طرفدار بوده ام و خواهم بود

(استیضاح نامه بشرح ذیل قرائت شد)

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی اینجانبان راجع بمواد ذیل از آقای رئیس الوزراء استیضاح مینمائیم

۱- سوء سیاست نسبت بداخله و خارجه  
۲- قیام واقدام برضدقانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین بمجلس شورای ملی

۳- تعویل ندادن اموال مقصرین وغیره بعنوان دولت

حایری زاده • هراقی • کازرونی مدرس • اخگر • ملک الشعراء • سیدحسن زعیم •

رئیس - بموجب ماده ۴۴ نظامنامه باید بدولت اطلاع داده شود تشریف بیاورند اینجا تاروز استیضاح معین شود

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اینکه آقای مدرس فرمودند بنده این دعوت را کرده ام خواستم مختصراً توضیح بدهم که ایشان آنروز در ضمن حرارت فرمودند دولت اکثریت ندارد بنده هم عرض کردم نظامنامه داخلی تکلیف اینکار را معین کرده آقایان مخالفین دولت وقتیکه یقین دارند دولت اکثریت ندارد میتوانند استیضاح بکنند درحقیقت یکماده نظامنامه داخلی را برای ایشان خواندم

رئیس - وارد دستور میشویم • رایورت کمیسیون بودجه راجع بآفاشیخ صادق مغلوج مطرح است مخالفی ندارد که قرائت شود

(گفته شد خیر)

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه لایحه نمره (۱۳۳۸۱) دولت رادرجلسه ۲۴ سرطان مورد بحث و مذاکره قرارداداده ماده واحده ذیل راجعت تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید

ماده واحده وزارت مالیه مجاز است از اول حمل هذه السنه سیچقان نیل ۱۳۰۳ مادام الحیوة برجی پنجاه تومان بعنوان شهریه در جزو صورت کل شهریه بگیرها باسم آقای آقا شیخ صادق مفیدی منظور داشته پرداخت نماید

مغیر کمیسیون عماد السلطنه رئیس - آقای ضیاء الواعظین

(اجازه)

ضیاء الواعظین - بنده اجازه نخواسته بودم

رئیس - آقای معتمد السلطنه

(اجازه)

معتمد السلطنه - بنده موافقم

رئیس - آقای عظیمی

(اجازه)

عظیمی - بنده فقط میخواستم توضیح بدهند که این پنجاه تومان از چه معراست عماد السلطنه مغیر - در سال گذشته هم این پنجاه تومان رامی گرفته است منتها دوصیغه بود يك قلم بیست تومان و يك قلم سی تومان و بموجب پیشنهاد دولت به يك صیغه پنجاه تومان درحق او بر قرار شد امسال همانطور پیشنهاد کردند کمیسیون هم تصویب کرد

رئیس - آقای مشاراعظم (اجازه)

مشاراعظم - باین توضیحی که آقای عماد السلطنه فرمودند خوب بود در ماده هم همین طور توضیح داده می شد که این پنجاه تومان مطابق این سابقه بوده است مغیر - این اقدام در سال گذشته شده و امسال هم مطابق سال گذشته رفتار شده است در سال گذشته هم همین پنجاه تومان رامی گرفته است تنها ابتدا يك سی تومان و يك بیست تومان که در دو کتاب ثبت میشده است می گرفته بعد دولت پیشنهاد کرد که يك صیغه شهریه درحقش برقرار شود مستمریش موقوف شد فقط پنجاه تومان شهریه مادام الحیوة در باره اش برقرار شد

رئیس - رای میگیریم بر رایورت کمیسیون بودجه آقایانی که این رایورت را تصویب می کنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد

اخذ واستخراج آراء بعمل آمده

نتیجه به ترتیب ذیل حاصل شد

ورقه سفید علامت قبول ۸۰

رئیس - باقیش را هم بشمارید

آقا میرزا شهاب - ۱۹ ورقه است

رئیس - عده حاضر صدو یک نفر است

با اکثریت هشتاد رای تصویب شد

وزیر امور خارجه - عهدنامه تجارت بین ایران و روس که برطبق اصل نوزدهم عهد نامه مودت بنا بود تهیه شود تهیه شده و بین دولتین ایران و روس مورد قبول واقع شده است به مجلس تقدیم میشود

وزیر مالیه - البته آقایان نمایندگان محترم از اهمیت مالی و اقتصادی دریاچه ارومیه کاملاً مستحضرندهستند • چون دولت در نظر گرفته است که در آتیه امور دریاچه بکلی در دست خودش باشد و به هیچوجه نفوذ خارجی در آنجا دخالت نداشته باشد و سگشتهائی در آنجا هست و چند نفر اتباع روس وانگلیس در دریاچه مستقر قاتی راشتند دولت خیال دارد آنها را خریداری نماید لایحه راجع باین موضوع تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی میشود

رئیس - لایحه آخری مراجعه میشود بکمیسیون بودجه ولایحه اولی بکمیسیون تجارت و خارجه

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - لایحه امتیاز نفت از ماده سیزدهم مطرح است آقای مشار اعظم

(اجازه)

مشاراعظم - قبل از اینکه بنده داخل صحبت بشوم عرض میکنم اینطور بنظرم رسیده است که این امتیاز نامه بطوریکه لازم بوده است تنظیم نشده غالب مطالب آن بر میخورد بیک ابهاماتی که محتاج بتفسیرات و تفسیراتی خواهد بود والبته تعبیر و تفسیر هم در اطراف مواد قانونی همیشه باعث يك اشکالاتی خواهد بود

این يك موضوع علیحده است که باید در موقع مطرح شدن این لایحه در کلیات اظهار میشد و نشد

در این ماده سیزده که اصول منافع ما بر آن است منفعت دولت را خواسته اند رعایت کنند و در آن قسمتی که سهم دولت را معین کرده اند میشود خیلی ایرادات وارد کرد • تمام هم صحیح و بجا باشد

زیرا ما از اعطای این امتیاز مقصود جز رعایت مسائل اقتصادی نداشته ایم و میخواستیم در مقابل این مقصود تحصیل يك عوائدی کرده و باین وسیله مملکت را رو بآبادی و ترقی ببریم

لهذا البته بایستی ما کامل دقت می کردیم که با اعطای این امتیاز يك عایدات و منافع کافی تهیه کرده باشیم که ببرد ما بخورد که بتوانیم بوسیله آن عایدات يك کارهای جدیدی کرده و بیک استفاده های کلی کرده باشیم

ولی چون این امتیاز سابقه داشته و با کمیانی امریکائی هم مذاکراتی شده است و در آن اظهار نظر هم کرده اند ممکن است تغییر آن امکان پذیر نباشد بنابراین در آن باب اظهاری نمیکند الا اینکه میگویم در موقعی که این امتیاز را متعقد کرده اند توجه کافی نشده است ولی چیزی که عجبالتاً در آن میشود حرف زد تبصره يك این ماده است

تبصره يك خواسته است عایدات خالص را از عایدات غیر خالص ممتاز کند زیرا منافع ما هم از عایدات خالص است و در عایدات غیر خالص مانظری نداریم در اینجا مینویسد

عایدات خالص هر سال عبارتست از عایدات غیر خالص منهای کلیه مخارج

بعد در بین الهلالین يك شرحی می نویسند که آنهم عجبالتاً مورد نظر بنده نیست و مترضه است در آنجا مینویسد باید مخارج موجه باشد و دولت هم تفتیشات کامل میکند

بعد مینویسد از قبیل مزد همله جات و سوخت و مخارج اداری و مخارج استقراری و قیمت مواد اولیه و مصالحی که بکار برده میشود یا در بین عملیات تعمیر و یا به مصرف میرسد و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمیتوان آنرا جزو سرمایه مصروفه بحساب آورد باستثنای مواد ذیل استثنای

مواد ذیل گمان میکنم بر میگردد به و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمیتوان اورا جزو سرمایه مصروف بحساب آورد بعد مینویسد

اولا سهم دولت ایران از بابت این امتیاز ذکر سهم دولت ایران از بابت این امتیاز من هر چه فکر میکنم مطابق تصریح خود این امتیاز نامه صد بیست از عایدات خالص است و بطور تصاعد هم شرح داده شده است بچه مرحله که رسید چقدر اضافه میشود بنظر بنده دیگر ذکر این جمله مورد نداشته مگر اینکه بخواهیم بعدها در این قسمت يك مباحثات تازه بکنیم و يك تعبیراتی بکنیم که معلوم نیست این تعبیرات بکجا بر میخورد بعد از آن مینویسد

منافعی که ما بین صاحبان سهام توزیع میشود مالیاتهای دولتی و یا بلدی که در امریکا پرداخته شود طبیعی است این دو قسمت اگر ذکر لازم بوده و ذکر کرده اند بایستی جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب نشود و منظور هم اینطور بوده است مقصود این بوده که اینها جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب نشود

ممکن است صرفه ما تامین شود والا اگر اینها جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب شود یا مالیاتهای بلدی را که در امریکا میدهند جزو مخارج عایدات غیر خالص قرار دهند دیگر برای ما عایدات خالص باقی نماند که از آن صاحب سهم باشیم

شاید در کمیسیون تعبیر کنند که اینها جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب نمی شود

بنده هم گمان میکنم همینطور باشد و غیر از این نمیشود الا اینکه ابهام عبارت طوری است که معلوم نمیشود مقصود از ذکر این اول و ثانی و ثالث چه بوده در صورتی که هیچ لزومی هم نداشته و عایدات خالص آنهاست است که قبلاً شرح داده شده است دیگر محتاج بتکرار نبود

يك قسمت دیگر که بنده را متوجه کرده این است که این قسمت (از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود) تصور میکنم در نسخه فرانسه سر سطر نوشته شده ولی اینجا سر سطر ننوشته اند و در موقع قرائت متصل است در صورتیکه مقصود از این عبارت چیز دیگر است ناچار از نسخه فرانسه سر سطر نوشته شده از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود اولاً هر گونه ربح و منافع سهام که بکمیانی یا کمیانیهای مزبور و شرکتهای فرعی آنها تقسیم میشود

بعدش هم مینویسد (بدیهی است که قبل از تقسیم) و اینجاست که مالی و شیره مالی شده است • اینها از عایدات خالص است و تقسیم اول منافع دولت ایران را بدینسان

است ولی اینکه اینجا مینویسد. هر گونه ربح و منافع سهام - منافع سهام همان (دیویداند) بود که قبلاً توضیح شده اما بخواهیم در نظر بگیریم که این جمله معنی منافعی که به اشخاص توزیع میشود (دیویداند) جزو عایدات غیرخالص میشود و اینطور توضیح شود که باید از عایدات غیرخالص موضوع شود.

این معارض با آن قسمت میشود و این معارض هم یک اشکالاتی فراهم خواهد نمود بنده تصور میکنم این ماده با این ترتیب که نوشته شده از نقطه نظر تفسیر و در آیه ما را دچار اشکالاتی خواهد نمود و لازم بود که اینجا بطور صریح مقصود را معین کند

مخصوصاً چون ذکر کرده سرمایه مصروفه بدهم در تبصره دوم سرمایه مصروفه را مینویسد.

است بر من جواب دادن یک چیز هائی که درست بآن برخوردیم.

حالا شاید آقایان دیگر اینجا بهتر از بنده ملتفت شده باشند در ضمن توضیح ایشان جواب بدهند.

لکن یک نکته اینجا هست راجع بآن قسمتی که فرمودند در نسخه فرانسه سر سطر نوشته شده و در این نسخه سر سطر نوشته نشده صحیح است و گمان میکنم کمیسیون هم مخالفی نداشته باشد که اصلاح شود.

یک نکته دیگر هم بود که گفتند در قسمت اول (دیویداند) را استثناء کرده اند و در قسمت دوم منافع سهام را وارد کرده اند.

این دو با هم شبیه نیست. آن دیویداند اول راجع به سهام شرکاء کمیانی اول است و یک علی دارد که اگر دقت بفرمایند باید حساب شود.

ولی قسمت ثانی راجع به منافع سهامی است که کمیانی اول بکمیانیهای فرعی میدهد این را باید حساب کنند و اگر حساب نکنند باید دوجا سهم دولت را بدهند حساب کمیانی اولی را که رسیدند بعد بحساب کمیانیهای دیگر میروند اگر منافع آنها را ندهند باید صد بیست دولت را بکجا اینجا بدهند و بکجا آنجا دوجا که نمیشود

رئیس آقای محمدولی میرزا (اجازه)

محمدولی میرزا یک قسمت از اعتراضات آقای مشاور اعظم جواب داده نشده که خیلی هم مهم بود.

یکی این قسمت که مینویسد: اولاً سهم دولت ایران از بابت این امتیاز و جوابی که داده شد از تأنی تأشروع شده.

مغیر - گمان میکنم آقای مشاور اعظم فراموش فرمودند که دیروز در فرمایشات یا جای دیگر نباشد که این اعتراضاتی که بماده می فرمایند وارد نباشد لهذا عرض می میکنم این تمراضاتی که بماده فرمودند بنده هیچکدام را وارد نمی دانم.

یک اعتراض بکلیه لایحه فرمودند که بطوری نوشته شده در صورتیکه در تمام این چند روزی که این جا مذاکره بود و آقایان در این ده دوازده ماده خیلی زیاد اعتراض فرمودند بنده تا بحال هر چه نگاه کردم اعتراض واردی که راستی راستی وارد باشند ندیدم.

بنده کمیکی از اعضاء کمیسیون هستم و آقایان وزراء هم که تشریف دارند بنده در این باب شریکند که این لایحه بطور خوبی نوشته شده.

البته اگر یکجائی یک عیبی داشته باشد برای رفع آن حاضریم.

اینجا نسبت باین تبصره اظهاراتی که فرمودند شاید بواسطه قصور فهم بنده باشد که درست ملتفت نشدم و خیلی مشکل

اهمیت است و لازم است در اینجا توضیح شود که هر مرکز محاسبه کمیانی در کجا خواهد بود آیا مثل مرکز محاسبه کمیانی نفت جنوب که در ایران نیست و در لندن است مرکز محاسبه این کمیانی هم در خارج یعنی در امریکا است یا خیر در ایران است؟

وزیر امور خارجه - در قسمت سهم دولت که می فرمایند ذکرش لزومی نداشت این یک احتیاطی است که شده است و بنظر ما ضرری نداشته و مفید هم بوده است تا در موقع محاسبه منافع آنچه کمیانی بدولت میدهد آن را جزو مخارج حساب نکنند فرضاً اگر هم این جمله زائد باشد مضر نیست و تصور میکنم مفید هم هست که بعد تولید اشکال نشود

در خصوص عبارت هر گونه خسارت که میفرمائید مبهم است و مقصود از هر گونه خسارت چیست عرض میکنم اینجا مینویسد هر گونه خسارتی که در عرض سال وارد بیاید و بواسطه بیمه یا بیک نوعی از اتمام تأمین نشده باشد

مثلاً فرض بفرمائید یک مقدار از محصولات و دارائی او آتش بگیرد و بسوزد بر حسب اتفاق آنچه چیزی هم که آتش گرفته بیمه هم نشده باشد

این یک خسارتی است که بر این مؤسسه وارد آمده و البته جزء مخارج محسوب میشود و تصور نمیکنم این قسمت ابهامی داشته باشد که محتاج به توضیح باشد.

راجع به مرکز محاسبه کمیانی که فرمودند بنظر نیاید که مرکزش چه در ایران چه در امریکا باشد چندان تفاوتی داشته باشد

البته کمیانی یک مرکز کل محاسبه دارد که در امریکا است

در ایران هم شعب دستگاه های مختلفی دارد که محاسبه هائی خواهند داشت و البته محاسبه اش در هر کجا باشد در تحت نظر دولت خواهد بود ولو در امریکا هم باشد دولت حق تفتیش و رسیدگی را دارد.

رئیس آقای شیخ رئیس (اجازه)

شیخ رئیس - در قسمتهای عبارتی که آقای مشاور اعظم گفتند بواسطه معین شدن جمله های معترضه و نگذاشتن هلال یک اشکالی تولید شده و گمان میکنم اگر عبارات جدا شود و یکی دوجایش در بین الهالاین نوشته شود رفع اشکال بشود اما در این قسمت که مینویسد: «هر یک از کمیانیهای فرعی باید در سال از منافع خالص میلیتی که کمتر از صد بیست نباشد بدولت ایران بپردازد»

از ظاهر این عبارت اینطور معلوم میشود که دولت با کمیانیهای جزو مستقیماً

فرقی از این کمیانیهای فرعی ذینفع هستیم و همین عبارت کافی است

در موضوع سال قبل هم که فرمودند البته شاید در بادی امر اینطور به نظر بیاید که آن سال اول سال قبل ندارد ولی البته تصدیق میفرمائید که تا یکسال تمام نشود عایدات ندارد

شش ماه بعد از آنکه سال اول تمام شد نازده محاسبات کمیانی روشن میشود و عایدات آن سال اول معلوم میشود آنوقت در آن شش ماه اول یادوم ما میتوانیم عایدات سال اول را بگیریم

در این موضوع اگر دقت بفرمائید تصدیق میفرمائید که هیچ اشکالی ندارد اما در موضوع تصاعد که فرمودند اینجا نوشته شده است:

«هر گاه منافع اضافی بیشتر از یکصد و نازده درصد باشد صد بیست و هشت به دولت داده خواهد شد»

حالا آیا متخصصین تشخیص داده اند که منافع اضافی نفت ممکن است بالا تر از این هم برود یا نرود

بعضی که معتقد بودند بیشتر از این تصدیق کرده اند که منافع اضافی بیش از این نیست و آن مسئله است علیحده و الا بعقیده من ممکن است بکوتکوت منافع اضافی بدو صد درصد هم بالغ بشود خوبست همانطور که تا صد و نازده درصد بطور تصاعد سهم دولت معلوم شده بیش از آن را هم معلوم کنند که اگر یک وقت منافع اضافی بیش از صد و نازده درصد شد ضرری متوجه دولت ایران نشود. و در همین باب پیشنهادی هم کرده ام که تقدیم میدارم.

آقای مخیر اگر جوابی دارند بفرمایند اگر بنده قانع شدم که هیچ و الا بقیه عرایض را در موقع توضیح پیش نهاد عرض میکنم

مغیر - در قسمت راجع باینکه آیا معامله مستقیم با کمیانیهای فرعی میکنم یا خیر که فرمودند توضیح شود بنظر بنده این عبارت خیلی واضح است توضیح بیشتری هم لازم ندارد مقصود همانست که یافته اند یعنی مستقیماً به حساب کمیانیهای فرعی رسیدگی میشود.

هستم اینست که اگر یک چیزی را می بینم بفرز مملکت است اینجا عرض کنم و البته قبول یا عدم قبول آن منوط با کثرت آراه نمایندگان محترم است و وظیفه آقای مخیر هم هست که اگر یک چیز را تصدیق عرض کردم رد کنند و اگر چیز صحیحی باشد قبول بفرمایند که روی هر فرقه و ترتیبی این مذاکرات یک امتیاز داده میشود امتیاز صحیحی باشد و در آیه اسباب زحمت و اشکال فراهم نیاید و البته در خارج سوه تمیزی می شود ولی این مربوط نیست که عقیده ما

را زنجیر کنند یا بایستی آنچه بنظرمان میرسد برای مصالح مملکت عرض کنیم و آنچه از دوحال خارج نیست با صبیح و وارد است

آقایان نمایندگان هم وجداناً قبول می فرمایند یا نه

یا اشتباه است البته اشتباه هم رفع می شود

ماده سیزده بعقیده بنده خیلی مفصل است و خیلی عباراتش در بعضی جاهه مل وغیر مفهوم است

در بعضی جاها هم اصلاحات اساسی زیاد دارد من جمله اصلاحات عبارتی هم چند فقره دارد که بنده بترتیب عرض می کنم

اینجا نوشته شده است سهم دولت از بابت این امتیاز لا اقل معادل بیست درصد از عایدات خالص کمیانی صاحب امتیاز در صورتیکه مستقیماً تمام یا قسمتی از آن امتیاز را بوقوع عمل بگذارد

کلمه (در صورتیکه مستقیماً) که اینجا نوشته شده است مفهوم مخالفتش اینست که مستقیماً مداخله نکنند و در بادی نظارین - طور میفهماند که این عبارت اجازه می دهد بکمیانی که اجازه بدهد بیک کمیانی های دیگر خودشان مستقیماً با دولت طرف حساب بشوند

رئیس آقای اشگر (اجازه)

اشگر - بنده بدو آقایان نمایندگان محترم استدعا میکنم که برای بنده از نقطه نظر صحت و سقم مطالب ملاحظه فرمایند نه من باب اینکه در چه فرا کسبونی هستم.

شاهزاده شیخ رئیس - هیچکس همچو نظری ندارد

اشگر - استدعا بود انشاء الله هم نیست و ثانیاً هم از آقای مخیر استدعا میکنم بدون اینکه توجه بمنذرجات غیر صحیح بعضی از جرایم بفرمایند عرایضی را که بنده دارم با دوا داشت بفرمایند و یکی یکی جواب بدهند

ما بایستی بواسطه اعتراضات بعضیها مصیبتی بشویم و آن وظیفه را که هر کس دارد از دست بدهد

البته وظیفه بنده که یک فرد ازو کلا هستم اینست که اگر یک چیزی را می بینم بفرز مملکت است اینجا عرض کنم و البته قبول یا عدم قبول آن منوط با کثرت آراه نمایندگان محترم است و وظیفه آقای مخیر هم هست که اگر یک چیز را تصدیق عرض کردم رد کنند و اگر چیز صحیحی باشد قبول بفرمایند که روی هر فرقه و ترتیبی این مذاکرات یک امتیاز داده میشود امتیاز صحیحی باشد و در آیه اسباب زحمت و اشکال فراهم نیاید و البته در خارج سوه تمیزی می شود ولی این مربوط نیست که عقیده ما

هر کمیانی و کمیانیها و شرکت های فرعی خواهد بود

این جمله یک اصلاح عبارتی لازم دارد هر خودش لفظ جمع است و بجای این بنده یک پیش نهادی هم کرده ام که نوشته شود هر کمیانی و شرکت های فرعی خواهد بود

هر کمیانی و کمیانیها شرکت های فرعی عبارتش صحیح نیست این اصلاح عبارتی جزئی است ولی در این جا بر - می خوریم بعقبه این عبارت که نوشته شده است

که مطابق ماده ۱۰ برای اجرای این امتیاز در صورتیکه ماده دهم هنوز تصویب مجلس نرسیده است

آقای سید یعقوب این ماده ۱۳ است ماده دهم چیست؟

مغیر - صحیح است ماده دهم سابق که ماده یازدهم شده رجوع بکمیسیون شده است

اشگر - در اینجا اولاً این ماده دهم باید یازدهم شود چون یک ماده اضافه شده است و بعلاوه قبل از آنکه آن ماده که مرجوع الیه است تصویب شود تصدیق میفرمائید نمیشود این ماده را که رجوع میشود بآن ماده تصویب نمود بعد نوشته میشود

اهم از اینکه کمیانیهای مزبور برای بدست آوردن مواد یا برای حمل و نقل و تصفیه یا فروش مواد راجعه بامتیاز باشد و خواه در ایران و یا در خارج تشکیل شود.

این عبارت اجازه میدهد بکمیانی که برای بدست آوردن مواد و حمل و نقل و تصفیه و یا فروش هم در ایران هم در خارج میتواند تأسیساتی بکند بنده با اینکه دارالتصفیه در خارج تشکیل شود مخالفم و همانطوریکه رفقای بنده در جلسه قبل فرمودند بنده معتقدم که برای این امتیاز که ما کوشش میکنیم نقطه نظرمان این است که یک تروتی اخراج وارد این مملکت بشود و در همین جا بکار بیفتد و مثل کمیانی نفت جنوب نشود که یک مبالغ هنگفتی میبرند بخارج برای تصفیه مواد نفتی و از منافع خالص کسر میشود و این بدیهی است که از تمام مخارجی که برای دارالتصفیه در خارج میکنند یک صد بیست پولش را از ما بگیرند و بعد هم دارالتصفیه متعلق بخودشان است بنده با این ترتیب که در خرج کردن با آنها شرکت داشته باشیم ولی در فایده بردن حقی بریم مخالفم اگر بنا است که از عایدات کمیانی از منافع خالص که صدی بیست حق ما است یک مخارجی در خارج برای دارالتصفیه بشود یا باید ما هم شرکت داشته باشیم نسبت به صدی بیست سهم خودمان که در آن دارالتصفیه خرج کرده ایم یا اینکه این عملیات در داخله بشود که هم مردم بکار بیفتند و هم تروتی در خارج مصرف نشود بعلاوه مینویسد کمیانی صاحب امتیاز یا کمیانی و کمیانیها باین ترتیب تشکیل شود در صورتیکه ترتیب

تشکیلیش در فوق ذکر شده (باین ترتیب) عبارت صحیحی نیست

همچنین عبارت (و همچنین شرکت های فرعی) آنها در مدت شش ماه اول هر سال میلیتی که کمتر از صدی بیست منافع خالص سال قبل بوجوب دفاتر محاسبه خودشان نباشد بدولت ایران خواهند پرداخت

عبارت صحیحی نیست بنده بوجوب تجربه عرض میکنم و اگذار کردن حساب بخود طرف مقابل طبیعتاً اگر برای طرف دیگر معامله ضرر نداشته باشد منصف هم نخواهد داشت و در این باب پیشنهادی هم کرده ام و بعد تقدیم میکنم که مضمون آن پیشنهاد این است:

که اضافه شود بوجوب دفاتر محاسبه خودشان و تفتیشانی که از طرف دولت ایران میشود یا راپورت مأمور دولت ایران که قضیه بکلی یک طرفی نباشد از طرف مقابل هم یک اطاعتی راجع باین محاسبات باشد البته وقتی قلم در دست بکنند افتاد یک طرف هر چه میخواهد مینویسد و البته هر که باشد سمی میکند که بمنفعت خودش بنویسد و بنا بر این سمی برای منافع از یک طرف بوجوب ضرر طرف دیگر خواهد بود دیگر اینکه اینجا نوشته شده است برای اینکه دولت ایران از منافع اضافی که ممکن است از عملیات این امتیاز حاصل شود بهره مند گردد سهم دولت از عایدات خالص بوجوب تصاعد ذیل خواهد بود

هر گاه منافع اضافی مابین ۶۰ و ۷۰ درصد سرمایه مصروفه باشد سهم دولت بیست و یک درصد از منافع خالص در صورتیکه قبلاً در همین ماده ذکر شده است که سهم دولت ایران صد بیست از منافع خواهد بود یعنی یک خمس منافع متعلق بایران خواهد بود اگر یک منافع اضافی هم پیدا شود طبقه بایستی باین ترتیب بالا برود

مدرس - به همین نسبت اشگر - و به همین ترتیب بالا برود ما در نسبت منافع در چند سطر قبل معتقد شدیم که ده دوماست

یعنی صد بیست ده و میشود و به همین نسبت هم باید بالا برود و لذا بنده معتقدم که از شصت تا هفتاد بیست و دو و از هفتاد تا هشتاد بیست و چهار از هشتاد تا نود بیست و شش و به همین ترتیب بالا برود پس است که بگوئیم یک کمیانی یک امتیازی را میگیرد و یک کاربرا هم میکند و در مقابل کارش بیشترت میکند یعنی همین طوری که ممکن است یکدفعه ضرر بکند ممکن است یکدفعه هم صد بیست منافع ببرد که در آنجا ما قرار گذاشته ایم که اگر صد دو یا صد سه منافع ببرد صد بیست بماند و هر گاه بعد شصت و صد هفتاد برسد آنوقت هم یک نسبتی معین شده است که باین نسبت باید بالا برود و بنده تصور میکنم که اگر از قسمت صد شصت و صد هفتاد

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

۴۵۷

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

۴۵۷

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

دوره پنجم

۴۵۷

بیلا چیزی برای ما منظور نکرده اند یک تقسیم غیر عادلانه شده است زیرا اگر ما شرکت داریم یک قسمت از این شرکت مال ما است باید مطابق معمول تمام دنیا هر چه منافع زیادتر شد در منافع بطور تساوی چهار تامل او باشد یعنی از صد تا بیست بیست ناش مال ما و باقی مال او و بیست بیست از آنچه منظور نظر است منافی حاصل بشود بما چیزی نرسد این دلیل ندارد.

در تبصره يك مینویسد: کلیه مخارج در بین الهالین مینویسد (مشروط بر اینکه مخارج موجه و صحیح باشد نه اینکه برای مخفی داشتن منافع واقعی قلمداد شده و بلکه برای حسن اداره امتیاز باشد و در هر صورت دولت ایران حق نام و غیر معهود خواهد داشت که تمام محاسبات و دفاتر کمیانی یا شرکتهای فرعی آنها را رسیدگی و تفتیش نماید)

این جمله این جا خیلی بیجا است ولی چیزی که هست مطابق موادی که بعد ملاحظه خواهید فرمود دولت فقط يك کمیسیون را و البته يك کمیسیون نمیتواند در تمام محاسبات سالانه آن کمیانی و کمیانیهای فرعی رسیدگی کند.

پس آن قسمت عملا این قسمت را نقض میکند بنده عرض میکنم باید باین کلماتی که در بین الهالین نوشته شده است صورت رسمیت و فعلیت داد و به همین نوشتن تنها قناعت نکنید.

این يك مخارجی بود که شروطی داشت مثلا نوشته میشود از قبیل مزد عملیات

ولی در این امتیاز نامه معلوم نکرده است که مزد آنها چقدر است و مساکن آنها کجا خواهد بود و کمیانی با عملیات چه معامله خواهد کرد اینها هیچ نیست بنده که هر چه از اول تا حالا در امتیاز نامه کسبم راجع به عملیات و راجع به مساکن مزد و طرز زندگانی آنها چیزی ندیدم

ولی مزد عملیات در کسر کردن مخارج یعنی پرداخت مخارج محسوب شده خیلی خوب از قبیل مزد عملیات و سوخت و مخارج اداری و فلان اینها را قبول کردیم دیگر مخارج استقراض کدام است؟

در مواد قبل نوشته شده بود تمام مخارجی که کمیانی برای راه انداختن اینکار مصرف میکند و سرمایه خود را بکار میاندازد این قسمت که قبلا ذکر شده بود که خود کمیانی مستقیماً این را اداره میکند و پسول راه میاندازد و با اینکه کمیانیهای فرعی تشکیل میدهند و در آن ماده بیش جزو فروش نفت اینها ذکر شده بود که تمام سرمایه استهلاک خواهد شد و بر حسب همین شد و پیش نهاد های بنده هم متأسفانه قبول نشد حالا این جا چرا دوباره مخارج استقراضی نوشته

شده مخارج استقراضی يك مخارج فوق العاده دیگری نیست اگر يك استقراضی میکنند و يك ربعی بر او تعلق میگیرد این همان استقراضی است که برای سرمایه میکنند و بجز آن هم در ماده قبل در موقع استهلاک سرمایه معین شده و دیگر این جا يك ذکر علیحدگی برای مخارج استقراضی بعقیده بنده زائد است.

هائرس - دوباره بفرمائید **اخگر** - نوشته میشود (عایدات خالص هر سال عبارتست از عایدات غیر خالص منهای کلیه مخارج از قبیل مزد عملیات و سوخت و مخارج اداری و مخارج استقراضی)

بنده این را خیلی زائد میدانم (وقتت مواد اولیه و مصالحی که بکار برده میشود) ذکر اینها هم اینجا مورد نداشت زیرا در ماده قبل ذکر شده است تمام مخارجی که کمیانی میکنند منها خواهد شد دیگر تکرار در این جا لزومی نخواهد داشت بعد مینویسد:

(یا در بین عملیات تعمیر و با مصرف میرسد و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمیتوان آنرا جزو سرمایه مصروفه به حساب آورد)

بنده با عبارات مجمل و مبهم بکلی مغالطه.

آقای مخبر توجه مینمایند؟ **مخبر** - بلی بفرمائید **اخگر** - این جا نوشته شده است: (که همچنین کلیه مخارج که در واقع نمیتوان آنرا جزو سرمایه مصروفه به حساب آورد)

خرجی که جزو سرمایه مصروفه بیاید و جزو مخارج مذکور در فوق نباشد بنده نمی دانم چه چیز است و عبارتی که این جا نوشته شده و مقصود از نوشتن این عبارت نتیجه که از آن حاصل میشود چه خواهد بود؟ بنده نمی فهمم!!! بعد نوشته می شود (باستثنای مواد ذیل) مقصود از استثنا گویا این است که اینها جزو مخارج محسوب نمی شود و از عایدات خالص کسر نمی شود و جزو عایدات خالص خواهد بود این هم بعقیده بنده درست مفهوم نیست

دیگر اینکه نوشته میشود: (سهم دولت ایران) در صورتیکه از سابق میدانیم که دولت ایران و اتباع ایران سهمی دارند و البته اگر در این جا ذکر سهم دولت را لازم میدانند باید سهم اتباع ایران هم ذکر شود و استثناء نشود

ثالثاً این را بنده توضیح میخواستم این جا نوشته شده است (مالیاتی دولتی و بلدی که در امریکا پرداخته شود)

مقصود این است که این مالیات که در امریکا پرداخته می شود از حیث بلدی یا غیر بلدی اینها بایستی از منافع خالص کسر شود و اصلاً جزو حساب نباید یا اینکه جزو مخارج محسوب شود بملایم این جا عبارت طوری است که دو جمله است که بهم چسبیده

و در تحت آن نوشته که در امریکا پرداخته شود. از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود بنده تصور میکنم مابین این دو سطر یا فاصله لازم دارد یا اینکه يك عبارتی است که نمی شود چیزی از مفهومی ملتفت شد در این جا آنوقت يك اولاً و ثانیاً و ثالثاً دارد که نمیدانم به قسمت اولاً و ثانیاً و ثالثاً که مواد ذیل نوشته شده مربوط می شود.

پس این قسمت آخر که می نویسد (از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود)

و بعد در این جا نوشته شده است اولاً هر گونه رنج و منافع سهام که بکمیانی یا کمیانیهای مزبور و شرکت های فرعی آن ها تقسیم میشود. ممکن است اینجا توضیحی بفرمائید که بنده ملتفت بشوم که این مرتبط بکجا است؟

مخبر - بعد از اینکه فرمایشاتتان تمام شد توضیح عرض میکنم. **اخگر** - در اینجا کمیانیهای مزبوره باید باشد چون جمع است و دیگر اینکه نوشته شده است

(ثانیاً هر گونه خسارتی که در عرض سال وارد بیاید و بوسیله بیمه یا بیک نوعی از اناها تامین نشده باشد)

این تامین خسارت بواسطه بیمه و غیره بردو قسم است یا يك خسارتی است که بواسطه عدم تامین دولت حاصل میشود یا بواسطه بی احتیاطی و عدم مواظبت خود کمیانی از نگاهداری اثاثیه و لوازم پیدا میشود در اینجا هر دو قسمت مخلوط است همچو مفهوم میشود که اگر خسارتی وارد آید اعم از اینکه بواسطه بی مبالائی اعضای کمیانی باشد یا نباشد باید موضوع شود و در اینجا به عقیده بنده فقط خسارتی که در اثر فورس مزبور یا اتفاقات غیر مترقبه سماوی پیش می آید که نمی شود جلوگیری از آنها کرد باید موضوع شود نه خسارتی که بواسطه بی مبالائی اعضا کمیانی رخ بدهد و موجب خسارت میشود البته مآ که نمی توانیم بواسطه بی مبالائی اعضا یا بواسطه سستی يك شخصی که مربوط بمانیست ضرر بدیم.

دیگر نوشته میشود: (و هم چنین مطالباتی که قطعاً لاوصول سوخت بماند و در دفاتر محاسبه کمیانی یا کمیانیها و یا شرکتهای فرعی آنها در عرض سال به حساب نفع و ضرر محسوب شده باشد)

این جا باید تفکیک شود که این مطالباتی که لاوصول میماند و سوخت میشود اینها را ماباید تامین کنیم یا خیر این است که کمیانی بایستی دقت بکند یا يك اشخاص طرف محاسبه باشد که محاسباتش لاوصول نماند و این هم دو قسمت ممکن است باشد

این جا این جمله بکلی وجود جمله فوق را زائد میکند بجهت اینکه بکسب از سرمایه مصروفه را در فوق شرح دادند بکسبش را هم در سابق ذکر نموده است بنده نمیدانم فایده يك عبارت طولانی مفصلی چیست؟ در صورتی که ممکن است

که یا تصور از طرف ما باشد یا از طرف ما این هم گمان میکنم باید تفکیک دیگر این جا نوشته شده است: (ثالثاً از کلیه سرمایه که برای خرید اسباب و ادوات و ملزومات و ماشین آلات و کلیه اشیا که ممکن است بواسطه استعمال از قیمت آنها کاسته شود سالانه صد هفت و نیم برای استهلاک محسوب خواهد شد)

یعنی از منافع خالص کسر میشود به همین نسبت هم البته از منافی که باید عاید ایران شود کسر میشود در صورتی که در ماده قبل در جزو تقسیم نفع تمام فریب ماشین آلات و غیره را حساب کرده اند بنده نمی فهمم بچه دلیل است وجه مزبور دارد يك قسمت از سرمایه که برای اسباب و ادوات مصرف میشود با يك قسمت سرمایه دیگری که برای سایر کارها تخصیص مصرف میشود که با مجموع نتیجه اش حاصل شدن و پیدا شدن يك نفعی است که بفرورد میرسد این مایه الامتیاز این دو

قسمت چیست؟ که هم در آنجا ذکر شده است هم در این جا و بملایم و يك صد هفت و نیم محاسبه می کند حالا دیگر این جا يك صد هفت و نیم بچه مناسبت باید بدیم عبارتی که نوشته شده است.

(ثانیاً کلیه این قسمت سرمایه بکلی مستهلك شود) باز غیر مفهوم است زیرا در سابق برای استهلاک سرمایه صد هفت و نیم معین کرده بود و در پشت این صفحه هم يك صد و دو و نیم برای استهلاک سرمایه معین کرده است و حالا باز اینجا يك صد هفت و نیم دوباره حساب شده بنده نمی فهمم

یک سرمایه چند مرتبه باید استهلاک بشود و چند مرتبه باید بر او رنج تعلق بگیرد سرمایه يك چیز است که برای بکار انداختن يك امری مصرف میشود دیگر این را چه جا نباید حساب کردو

در تبصره (۲) نوشته شده است (مقصود از جمله (سرمایه مصروفه) مذکور در فوق کلیه سرمایه است که برای این امتیاز توسط کمیانی یا کمیانیهای یا شرکتهای فرعی بکار برده شده است)

این جا يك اصلاح عبارتی کوچک دارد که (یا هم) کمیانیهای زیاد است (و در آخر هر سال معین خواهد شد)

اعم از اینکه از فروش سهام یا قرض باشد از آن قسمتی از منافع حاصله که سرمایه افزوده شده و برای اجرای این امتیاز بکار برده شده باشد)

در این جا این جمله بکلی وجود جمله فوق را زائد میکند بجهت اینکه بکسب از سرمایه مصروفه را در فوق شرح دادند بکسبش را هم در سابق ذکر نموده است بنده نمیدانم فایده يك عبارت طولانی مفصلی چیست؟ در صورتی که ممکن است

یا يك عبارات مختصرتری که مطلب را بهتر نوشته میشود زیرا البته در عبارات طولانی بیشتر کشمکش تولید میشود و اسباب زحمت میشود تا در يك عبارات مختصر و مفیدی که بالاخره مقصود و نتیجه را معین میکند بملایم سرمایه مصروفه چه مربوط بقسمتی از منافع حاصله است که سرمایه افزوده شده است

امسال فرض بفرمائید ده تومان خرج عاید ایران شود کسر میشود در صورتی که در ماده قبل در جزو تقسیم نفع تمام فریب ماشین آلات و غیره را حساب کرده اند بنده نمی فهمم بچه دلیل است وجه مزبور دارد يك قسمت از سرمایه که برای اسباب و ادوات مصرف میشود با يك قسمت سرمایه دیگری که برای سایر کارها تخصیص مصرف میشود که با مجموع نتیجه اش حاصل شدن و پیدا شدن يك نفعی است که بفرورد میرسد این مایه الامتیاز این دو

قسمت چیست؟ که هم در آنجا ذکر شده است هم در این جا و بملایم و يك صد هفت و نیم محاسبه می کند حالا دیگر این جا يك صد هفت و نیم بچه مناسبت باید بدیم عبارتی که نوشته شده است.

(ثانیاً کلیه این قسمت سرمایه بکلی مستهلك شود) باز غیر مفهوم است زیرا در سابق برای استهلاک سرمایه صد هفت و نیم معین کرده بود و در پشت این صفحه هم يك صد و دو و نیم برای استهلاک سرمایه معین کرده است و حالا باز اینجا يك صد هفت و نیم دوباره حساب شده بنده نمی فهمم

یک سرمایه چند مرتبه باید استهلاک بشود و چند مرتبه باید بر او رنج تعلق بگیرد سرمایه يك چیز است که برای بکار انداختن يك امری مصرف میشود دیگر این را چه جا نباید حساب کردو

در تبصره (۲) نوشته شده است (مقصود از جمله (سرمایه مصروفه) مذکور در فوق کلیه سرمایه است که برای این امتیاز توسط کمیانی یا کمیانیهای یا شرکتهای فرعی بکار برده شده است)

این جا يك اصلاح عبارتی کوچک دارد که (یا هم) کمیانیهای زیاد است (و در آخر هر سال معین خواهد شد)

اعم از اینکه از فروش سهام یا قرض باشد از آن قسمتی از منافع حاصله که سرمایه افزوده شده و برای اجرای این امتیاز بکار برده شده باشد)

در این جا این جمله بکلی وجود جمله فوق را زائد میکند بجهت اینکه بکسب از سرمایه مصروفه را در فوق شرح دادند بکسبش را هم در سابق ذکر نموده است بنده نمیدانم فایده يك عبارت طولانی مفصلی چیست؟ در صورتی که ممکن است

از طرف نمایندگان - کجا؟ **مخبر** - ماده (۱۳) که دوازده سابق بود. (ماده ۱۳ - سهم دولت ایران از باب این امتیاز لااقل معادل بیست درصد از عایدات خالص کمیانی صاحب امتیاز در صورتی که مستقیماً تمام یا قسمتی از این امتیاز را بموقع عمل بگذارد) این جا این جمله باید علاوه شود

(و بیست درصد از عایدات خالص) هر کمیانی و کمیانیها و شرکتهای فرعی این يك تکرار بیست که از نقطه نظر فهم مسئله لازم است و تطبیق بانسخه قرآن هم شده است.

(بیست درصد از عایدات خالص هر کمیانی و کمیانیها و شرکتهای فرعی او) (آخر) بعد میرویم بقسمت دوم ماه سیزده (کمیانی صاحب امتیاز) باید علاوه شود (در صورتی که خود تمام یا قسمتی از این امتیاز را بموقع عمل بگذارد) . . .

در این صورت هیچ منافع خاصی باقی نماند که سهم بدولت ایران برسد در این تبصره سه مینویسد: (مقصود از منفعت اضافی آن قسمت از منافع خالص است که بعد از وضع صد دوازده و نیم منفعت سالانه سرمایه مصروفه باقی بماند)

يك سرمایه در آن واحد يك صد هفت و نیم برای آن رنج و يك صد هفت و نیم هم يك جا برای آن قائل شدیم در همین حال يك صد دوازده و نیم هم اینجا باید اضافه کنیم و يك منافع دیگری برای سرمایه منظور کنیم در صورتی که بالاخره باز از منافع حاصله هم چهار قسمتش مال کمیانی است

و يك قسمتش متعلق بما است این حسابهایی که شده است يك حسابهایی است که بالاخره اگر صد میلیون عایدی نفع شال باشد با این حسابها بنده گمان نمیکنم کسی هزار تومان هم دست ایران بیاید و این ماده بعقیده بنده اصلاحات عبارتی و اساسی زیاد دارد و بملایم بیشتر باید حذف شود

مخبر - در صفحه چهارده تبصره دوم سطر دوم (کمیانی یا کمیانیهای) در اعتراضاتی که بنده سیزده شد قسمت اولش راجع باین بود که در ماده سیزده نوشته شده است (از عایدات خالص کمیانی و صاحب امتیاز در صورتی که مستقیماً تمام یا قسمتی از این امتیاز را بموقع اجرا بگذارد و هر کمیانی و کمیانیها و شرکتهای فرعی خواهد بود که مطابق ماده دوم برای اجرای این امتیاز تشکیل شود)

نماینده محترم اعتراض کردند که مفهوم مغالطش اینست که خودش میتواند این امتیاز را بموقع عمل بگذارد و این متناقض با آن نظر است که هیچ کمیانی خارجه یا تبعه خارجه نباید در این کار دخالت کند

بنده نمی فهمم این نتیجه را چه طور از این مقدمه که ذکر کردند میگیرند از

برای اینکه سطر بعدش این را توضیح میدهد که مینویسد: (هر کمیانی و کمیانیها و شرکتهای فرعی خواهد بود که مطابق ماده دوم برای اجرای این امتیاز تشکیل شود)

در این واگذار کردن بکمیانی خارجی دیگری در بین نیست زیرا امروز که صاحب امتیاز میباید این امتیاز را بگیرد هم خودش می تواند عمل کند و هم مطابق ماده دهم سابق که ماده یازده فعلی است مطابق شرایطی که ذکر شده است می تواند يك کمیانیهای فرعی تشکیل بدهد و آنها را وادار کند که عمل بکنند و این خیلی واضح است.

اما اعتراضی کردند راجع به ماده ۱۱ دهم سابق و گفتند مرجوع بکمیسیون شده هنوز رای داده نشده است. البته تصدیق میکنم که این ماده را کمیسیون مسترد داشته است برای اینکه نسبت با اعتراضات بعضی از آقایان مذاکره بشود بعد بیاید بمجلس ولی در همین حال بیورد نیست که در جواب این اظهاری که آقای **اخگر** میفرمایند بایشان عرض کنم که در آن ماده در کمیسیون خیلی بحث کرده ایم و در کمیسیون هم اصولاً تئوری نخواهد کرد و بنده بایشان اطمینان می دهم که در تغییر نکردن ماده در کمیسیون تردیدی درش نیست.

زیرا از مواد اساسی است و اعتراضاتی هم که شده است آقایان معترضین را قانع میکنیم. ولی البته ممکن است در این ماده آقایان نظریاتی که دارند بفرمایند و مذاکرات در این ماده را خاتمه بدهند وقتی میخواهند رای بگیرند ممکن است این ماده و آن ماده را با هم رای بگیرند زیرا می دانیم که آن ماده هیچ تغییر اساسی نخواهد کرد و حالا خودتان را معطل آناده نکنید و دیگر اینکه در موضوع دفاتر و محاسبات باید حذف شود

(نماینده گان - صحیح است) در صفحه چهارده تبصره دوم آقای **اخگر** اشاره کردند زائد است البته باید حذف شود

یک نفر از نمایندگان - کجا **مخبر** - در صفحه چهارده تبصره دوم سطر دوم (کمیانی یا کمیانیهای) در اعتراضاتی که بنده سیزده شد قسمت اولش راجع باین بود که در ماده سیزده نوشته شده است (از عایدات خالص کمیانی و صاحب امتیاز در صورتی که مستقیماً تمام یا قسمتی از این امتیاز را بموقع اجرا بگذارد و هر کمیانی و کمیانیها و شرکتهای فرعی خواهد بود که مطابق ماده دوم برای اجرای این امتیاز تشکیل شود)

نماینده محترم اعتراض کردند که مفهوم مغالطش اینست که خودش میتواند این امتیاز را بموقع عمل بگذارد و این متناقض با آن نظر است که هیچ کمیانی خارجه یا تبعه خارجه نباید در این کار دخالت کند

بنده مشوال میکنم آیا در هیچ جای این ماده یا مواد دیگر معهود کرده اند دولت ایران را که توسط يك کمیسیون این کار را بکنند؟

خیر اینکه ملاحظه میکنید يك مدیر ذکر شده برای این است که یک نفر مأمور معصوم برای نظارت کاری جای

باشد و يك حقوقی هم که بر کمیانی تحمیل کرده ایم باو بدهند والا تمام اعضاء ادارات وزارت مالیه و مفتشین و وزارت فواید عامه می توانند بمحاسبات کمیانی رسیدگی کنند چه در این جا و چه در آمریکای و ما می ندارد.

بنده این جا در یادداشتها می بینم اعتراض راجع به مخارج استقراضی شده در تبصره يك که گفتند نوشته از مزد عملیات و سوخت و مخارج اداری و مخارج استقراض اعتراضات متعددی از قبیل اعتراضی که آقای **اخگر** راجع به مخارج استقراضی کردند از طرف آقایان خیلی هست خود ما هم از این اعتراضات خیلی داشتیم چرا؟

از برای اینکه غالب این قبیل اعتراضات ناشی از اینست که ما در مملکتان يك تأسیسات و شرکت ها و معاملاتی که سبب سابقه ذهنی ما راجع بیک چنین قضایا بشود نداریم باین ملاحظه بسا جریانهای داخلی کمیانیها و معاملات اروپائی است که با آنها مسبوق نیستیم.

وقتی که می بینیم اینجابهی چیزها نوشته میشود و تکرار میشود یکجا باسم مخارج استقراضی می آید در يك ماده باسم استهلاک می آید جای دیگر بطور دیگر اسباب تعجب ما ما میشود اینها صحیح است و چاره هم نیست منتهی بعضی از آقایان نمایندگان از نقطه نظر ایمانی که بهمکارهای خودشان دارند شاید بدون این که قضایا را ملتفت شوند

تصدیق میکنند بعضیها هم توضیح میخواهند ما هم توضیح میدیم. تصدیق میفرمایند یا نمیفرمایند در هر صورت در موضوع مخارج استقراض عرض میکنم هر کمیانی هر اندازه ثروت داشته باشد.

در معاملات وقتی می خواهد يك سرمایه تهیه بکند یا يك کارهایی بکند محتاج بقرض می شود باید قرض بکند و این قرض مخارجی دارد.

حق دلالتی دارد. خرج تلگراف دارد. خرج مسافرت دارد این را کجا باید حساب کرد و از کجا باید داد؟

تمام این جزئیات غیر از رنج و استهلاک است اینها يك مخارجی است که برای تهیه استقراض لازم است باید هم نوشت (جایش هم اینجا بوده است که ذکر کرده ایم) چرا؟

از برای اینکه قراموش نفرمائید ما کمیانی شریک هستیم. دولت ایران با کمیانی شریک است و این امتیاز در حقیقت مثل يك قرار داد و شراکت نامه است پس این چیزهایی که اینجا نوشته شده خیلی واضح و روشن است.

متأسفانه همان طور که عرض کردم

بواسطه نداشتن سابقه نظر مایک قدری بعید می آید.

اینجا بعد از اینکه نوشته شده از قبیل مز در عملیات و سوخت و مخارج اداری و مخارج استقراض و قیمت مواد اولیه.

الی آخر (و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمی توان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب آمده با استثنای مواد ذیل) گفتند دواعراض دارد.

یکی اینکه (نمی توان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب آورد) یعنی چه؟ سرمایه چند قسم است یک سرمایه است که برای یک کار مخصوص تهیه میشود.

یک قسم سرمایه هم هست که در شرکت ها مامور عمل میشود. یک قسم باقی بماند برای مقدمات کار خرج شود.

یک سرمایه هائی ممکن است که باشد و سرمایه های مصروفه نباشد سرمایه احتیاطی باشد. تمام این سرمایه ها هست.

البته اگر مخارج مربوط به سرمایه های مصروفه نباشد مربوط به اینجا میشود و باید موضوع شود ولی اگر مربوط به سرمایه مصروفه است نباید موضوع شود.

این را توضیح دادم از برای اینکه بعد دچار اشکالات نشویم و نگویند چرا اینجا بحساب آورده نشده است و چیز های نظیرش را که فلان و فلان است بخرج آوردید.

اینجا یک چیز هائی است که لازم است.

اعتراض دیگر این بود که گفتند: سهم دولت و فلان و فلان را چرا استثنا کرده اید اینها تمام یک چیز هائی است که اگر ذکر نشود هر موقعی مطابق اصول جاریه یک کمیانی بخواهد از عایدات غیر خالص یک یک قلم هائی منها کند.

ممكن است اینها را هم جزء منها شده های از عایدات غیر خالص حساب کند باین ملاحظه خواسته اند توضیح بکنند که اینها نباید موضوع بشود و مثلا مالیات های بلدی که در آمریکا بر این کار تعلق میگیرد آیا ضرر این را هم دولت ایران باید متحمل شود یا خود کمیانی باید تحمل کند؟

از آن طرف آیا کمیانی میتواند این مالیات را ندهد؟ خیر حتما باید بدهد.

آیا اگر کمیانی یک صاحبان سهام آمریکائی داشت میتواند بگوید تو چرا این مالیات را که میدهی اول از عایدات غیر خالص منها میکنی بعد عایدات خالص را معین میکنی و سهم ما را از آن عایدات خالص میدهی؟

خیر آنها نمیتوانند بگویند ولی دولت ایران که بیست درصد میگیرد میتواند این اعتراض را بکند و بگوید عایدات خالص را معین بکنند و صدیست از آنرا

بمن بدهید بدون اینکه این مالیه امارا موضوع کنید.

وقتیکه حساب میکنند و میگویند فلان مقدار عایدات غیر خالص است درستی گوید شما ها صد بیست می خواهید بمن بدهید اگر فلان چیز را منها بکنید بمن ضرر میخورد.

طبیعی است اینها را باید گفت اگر نگوییم بضرر دولت تمام میشود بسهم دولت که میفرمائید همین طور است چرا؟ از برای اینکه سهم دولت صد بیست از عایدات خالص است پس برای این که صد بیست برسیم باید بیستیم عایدات خیر خالص چیست و آنچه از مخارج باید موضوع کنیم حساب بکنیم و برسیم به عایدات خالص و صد بیست خودمان را معین بکنیم.

پس اگر میمانند معادل صد بیست دولت را از عایدات دولت غیر خالص منها میگردند و بعد برسیدند به عایدات خالص و از آن عایدات میخواستند صد بیست بما بدهند این ضرر ما میشد زیرا شما که باید صد بگیرید این صد بیست باید از عایدات خالص گرفته شود.

بنا بر این صد بیست هم مثل مالیات میماند که کمیانی نباید بدولت امریکا بدهد.

این آخری یک اعتراضی کردند که بنده ناچارم باز عرض بکنم برای احتراز از تکرار کلیه رقفا وقتیکه سایر همکارها ایشان اعتراض میفرمایند خوبست متوجه باشند تا چیزی را که دیگری گفته دفعه نانی نگویند و وقت مجلس تلف نشود.

این اعتراضی بود که آقای مشار ظلم فرمودند راجع باینکه جمله (از عایدات غیر خالص) الی آخر (باید سرسطر بیاید بنده هم با ایشان عرض کردم که باید سرسطر بیاید این جا معین کرده اند که از عایدات غیر خالص مخارجی باید موضوع شود نظارتی هم برای مخارج ذکر شد یک مستثنیاتی هم برای آن قائل شده که مستثنیات چه چیز هائی است.

بعد دوباره سرسطر جمله دیگر است که میگوید: از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود فلان و فلان.

پس این جزء مستثنیات نیست یعنی اینها هم باید موضوع شود.

اینجا چیست؟ هر گونه ربح و منافع سهام که بکمیانی و کمیانیهای مزبور شرکت های فرعی آنها تقسیم میشود که اینجا نوشته شده است.

اینجا اعتراض دیگری راجع با استهلاك کردند که یکدفعه دیگری یکی از نمایندگان فرمودند و جواب داده شد برایش اولیه بنده ملاحظه فرمائید این مواد هر کدام

راجع بیکى از موضوعهای مخصوصه است اگر در یک ماده دیگری خواه ماده یازده باشد یا نه یا هشت در موقعی که مثلا شما تعیین قیمت نظارا از برای فروش بملکت خودتان میکنید اگر در وقتى که میخواهید مخارج استخراج را معین بکنید اسمی از استهلاك سرمایه بیاورید هیچ ارتباطی ندارد باینکه در یک ماده بعد وقتی که دارید مذاکره سهم دولت را میکنید می بینید سهم دولت از عایدات خالص داده میشود میخواهید معین بکنید که عایدات خالص یعنی چه آنوقت بگوئید عایدات خالص همان عایدات غیر خالص است منهای مخارج استهلاك سرمایه زیرا فرق این لفظ استهلاك دومی با آن استهلاك اولی از زمین تا آسمان است.

پس این هارا با هم ارتباط دادن و در هم داخل کردن در صورتیکه در نظر امتیاز دهنده و گیرنده و مطابق فحوای این مواد بهم هیچ ربطی ندارد ظلم است مسئله دیگر اینکه بنده می بینم هی اعتراض میشود که هر گونه خسارت را این قبیل الفاظ چرا نوشته میشود و این الفاظ مبهم است.

آنروز عرض کردم مبهم یعنی چه؟ البته همه تصدیق میکنند بنده هم انکار ندارم که هر گونه خسارت معلوم نیست که چه خسارتی است ولی باید ببینیم آیا ممکن است انسان در هر چه معامله که میکند تمام جزئیات را قلم بقلم معین کند؟ خیر نمی شود فقط بعضی مسائل مهم را میشود گفت.

یکجا یک مخارجی میشود تعداد کرد برای اینکه نظائر بدست بیاید ولی بعد نباید فراموش کرد که بین این دو شریک که دولت و کمیانی باشد اصولی مقرر است که بموجب آن بکار های هم رسیده گی میکنند.

این هر گونه خسارت همانطور که برای من و شما مبهم است برای کمیانی هم مبهم است.

کمیانی نمیتواند در تحت عنوان هر گونه خسارت هر چه داش خواست صورت بدهد همانطور که نمیتوانیم در تحت عنوان هر گونه خسارت هر چه رامیخواهیم برد کنیم یارد بکنیم.

کمیانی در تحت عنوان هر گونه خسارتی را صورت میدهد بعد ما باید بوسائل تفتیش و کنترلی که داریم باید داشته باشیم رسیدگی و تحقیق کنیم اگر ما و شما از وسائل کار خودمان بترسیم این مربوط بکسی نیست این را نمیشود بکردن معامله کننده و نویسنده مواد انداخت.

این را باید از جای دیگر درست کرد.

در تحت منفعت اضافی باز

اشاراتی شد آنها هم از همین قبیل بود بنده اگر توضیحی عرض میکنم برای این است که آقایان دیگر که در نظری و اعتراضی نسبت به منافع اضافی دارند شاید از اظهارات و عرایض بنده قانع شده تجدید مذاکره نکنند.

در این امتیاز برای دولت ایران صد بیست از منافع را قائل شده اند این صد بیست یعنی چه؟

یعنی کمیانی نسبت به سرمایه خودش خواه زیاد نفع ببرد خواه کم ببرد این صد بیست را باید بدولت بدهد.

بعد آمدیم و گفتیم ما باید از منفعت اضافی هم سهم ببریم.

حالا آقای کازرونی یا آقای اشگر یادداشت میکنند و بنده اعتراض میکنند اینجامستلزم این است که ما مشخص بدهیم اولاً معنی منفعت اضافی چیست؟ بنده حاضرم آنرا توضیح بدهم لیکن اگر قبلاً آقای کازرونی این منفعت اضافی را از نقطه نظر طرز اروپائیش توضیح دادند و مطابق منظور آن کسی که اینرا نوشته صحیح بود آنوقت میتوان گفت که تمام اعتراضات ایشان وارد است.

اما آیا اگر این اصل را درست از نقطه نظر اروپائیش توضیح ندادند می شود گفت آن اعتراضات وارد است؟

مدرس ملازمه ندارد.

مخبره چطور ملازمه ندارد؟ خیلی هم ملازمه اش زیاد است.

حالا بنده عرض میکنم: کمیانی میگوید منفعت صد دوازده ونیم را مطابق معنول در اروپا نسبت به عایدات یک سرمایه منفعت اضافی نمایندند و منفعت از صد دوازده ونیم که بالاتر برود این را منفعت اضافی حساب میکنند.

این اصلی است کلی. آنوقت صد بیستی که شما از من میگیرید اگر چه من صد یک منفعت ببرم. صد دو منفعت ببرم یعنی از صد دوازده ونیم که نفع معمولی سرمایه است هر قدر کمتر ببرم این صد بیست را باید بدولت بدهم.

من نمیتوانم بشما بگویم که امسال صد دوازده ونیم عمل نکردم و صد یک عمل کردم بنابراین از صد بیست شما میگیرم بخیر صد بیست حتمی است.

بعد میآید میگوید اگر منفعت اضافی (یعنی علاوه از صد دوازده ونیم) تا صدی پنجاه و شصت هم بشود باز همان صد بیست را میدهم.

(معامله ایست که طرفین با هم قرار گذاشته اند) آنوقت اگر منفعت اضافی از حدود صدی شصت تجاوز کرد مطابق این تناسبی که اینجا معین است من بشما سهم میدهم.

حالا لازم نیست من اینرا زیاد توضیح بدهم که حقیقه مطابق نظارتی که در

است و تجربیاتی که شده است منافی اضافی این قبیل منابع که خیلی نادر است چقدر است؟

الان آقای وزیر مالیه بمن یادداشتی نوشته بودند که معدن نفت جنوب که یکی از بهترین معادن دنیا از حیث عمل محسوبست در بهترین موقع عمل تقریباً از چهل و شش درصد تجاوز نکرده خوب این از بهترین معادن دنیا است که خیلی نادر است.

این را برای این توضیح کردم که آقایان بدانند در حقیقت ذکر این تصاعد برای احتمال است.

اما آن حسابی هم که آقای اشگر کردند گویا در موضوع اینکه چرا تا فلان ماخذ که میرود ده دو است و از فلان ماخذ که بالا میرود تناسب فرق میکنند.

این را البته تصدیق میکنید قضایا مربوط بمذاکره بین دو طرف معامله است که یکی دولت و یکی کمیانی است.

دولت تکیسه قانونی که از مجلس گذشته رفته مذاکره کرده ما هم در کمیسیون دقت کردیم نتیجه این مذاکرات لایحه ایست که قبول کردیم و فعلاً آمده است بمجلس و از همه حیث در حد اعتدال است و نمیشود گفت چون از اینجا باینجا دولت تکیسه قانونی که از مجلس گذشته رفته مذاکره کرده ما هم در کمیسیون دقت کردیم نتیجه این مذاکرات لایحه ایست که قبول کردیم و فعلاً آمده است بمجلس و از همه حیث در حد اعتدال است و نمیشود گفت چون از اینجا باینجا دو بالا برود

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس مذاکرات کافی است.

جمعی از نمایندگان بلی کافیست

رئیس پیشنهادها میماند برای بعد از تنفس.

(جلسه تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس پیش نهاد آقای اشگر خوانده میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم چون منافع حاصله که سرمایه افزوده میشود جزء سرمایه مصروفه نیست عبارت (یا از آن قسمتی از منافع حاصله که سرمایه افزوده شده و برای اجرای این امتیاز بکار برده شده باشد) حذف شود.

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - هنوز بکفایت مذاکرات رای داده نشده

رئیس کسی مخالفت نکرد

شیخ الرئیس - بنده مخالف بودم زیرا ماده را فوق العاده مهم میدانم و این قدر مذاکره که شد برای حل شدن موضوع کافی نیست بنا بر این لازم است در کفایت مذاکرات رای گرفته شود.

رئیس - رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس معلوم میشود کافی است

آقای اشگر توضیحی دادید بفرمائید اشگر - برای اینکه آقایان در پیدا کردن موارد اعتراض دچار اشکال نشوند استدعا میکنم پیشنهاد های بندرها یا از آخر یا از اول بترتیب قرائت کنند که آقایان در پیدا کردن جمل راحت باشند.

رئیس جنابعالی که نمره نگذاشته اید که بترتیب نمره قرائت شود.

اشگر بنده بترتیب رویم گذاشته بودم.

رئیس - نسبت باین یکی که خوانده شد توضیح بدهید.

اشگر تقاضا میکنم مجدداً بفرمائید قرائت شود.

(بمضمون سابق قرائت شد)

اشگر سرمایه عبارتست از پولی که کمیانی وارد میکند و بکار میاندازد و البته پس از بکار انداختن یک سرمایه منافع حاصل می شود.

اضافه کردن آن منافع را بر سرمایه اولی معارض ندارد برای کار کردن بعد ولی جزء سرمایه مصروفه نباید حساب بشود بجهت اینکه از آن منافع حاصله ما یک حقی داریم و اگر بنا شود آن حق مابقی آن صد بیست ما بر صدی هشتاد کمیانی افزود شود و تمام ربح سرمایه را کمیانی بخواهد حساب بکند منافعش را هم حساب بکند این یک خسارت غیر قابل جبرانی بیاورد میکند و یک نفع فوق العاده بکمیانی عاید میسازد.

سرمایه اصلی و اساسی وجهی خواهد بود که کمیانی باین مملکت وارد میکند و ربح آنرا حساب میکنند و بر آن حساب اضافه مینمایند ولی دیگر ربح منافع حاصله از آن که یک قسمتش متعلق بما است تمام را نباید کمیانی با ما حساب کند اگر نفع در نفع هم باشد یک صد بیستش متعلق بما است دوباره ربح آن صد بیست که متعلق بما است و جزء سرمایه می آید نباید بکمیانی داده شود این است که بنده عرض میکنم این جا این عبارت حذف شود.

یعنی سرمایه مصروفه عبارتست از سرمایه که کمیانی از خارج وارد این مملکت می کند و منافی که حاصل می شود و بر آن اضافه میشود جزء آن سرمایه محسوب نیست.

مدرس - پیشنهاد بنده هم در همین زمینه است اجازه میفرمائید توضیح بدهم که اگر رد شدنی است یکدفعه جواب بدهند.

مخبر - پیشنهاد دیگری هم در این زمینه است؟

مدرس - بلی مال من است.

مخبر - اگر یکی دیگری هم در این

زمینه هست ممکن است آنهم توضیح داده شود یا یک جواب بدهم.

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت میشود.

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم که در تبصره دوم بعد از منافع حاصله عبارت ذیل اضافه شود:

(که بعد از اداء سهم دولت ایران بر سرمایه الی آخر)

رئیس - خطاب با آقای مدرس توضیح بفرمائید)

مدرس - البته معلوم است کمیانی که میآید اینجا یک امتیازی میگیرد یک سرمایه یا از خودش یا از قرض میاورد که مفاد این را اجرا کند البته استهلاك هم میکند و بار هجش سال به سال بر میدارد این جا یک عبارتی دارد که معنی آن این است که میشود از منافع بردارد و موسساتی تشکیل بدهد

آئین سرمایه اولی که کم استهلاك برمی دارد لیکن از منافعیکه از این امتیاز پیدا میشود میخواهد یک سرمایه درست کند.

کمیانی فقط جنوب حالی همین قسم است شاید این موسساتش اکثر از منافع سرمایه است آن منافعیکه صد بیستش مال ما است و صد هشتاد آن متعلق بخودشان.

این را نباید سرمایه قرار بدهد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم (نظیر همین پیشنهاد که آقای اشگر اظهار کردند که اگر از منافع بخواهد سرمایه بکند و از آن سرمایه موسسات تشکیل بدهد سهم صد بیست دولت ایران را بدهد و موسسات را از صد هشتاد خودش درست کند زیرا ما پول زیادی نداریم که سرمایه قرار بدهیم و کم کم با منافعش برداریم.

کمیانی نفت جنوب همین قسم است الان شاید بیست میلیون سرمایه اش از منافی است که صد شانزده آن مال ما است ما چون آنرا دیده ایم و می بینیم که خودمان احتیاج بیول داریم و پول زیادی نداریم و نمی توانیم بدهیم بکمیانی که سرمایه قرار دهد لذا پیشنهاد کردم که اگر خود کمیانی سرمایه بیاورد یا فرض بخواهد بکند که البته بار هجش بر میدارد اما اگر بخواهد از منافع سرمایه درست کند بسا هست ما محتاج پولیم و نمیتوانیم حاضر بشویم که پولمان را کمیانی بردارد و سرمایه درست کند و بعد کم کم بار هجش برداریم حق ما را که صد بیست است بدهد و از صد هشتاد خودش سرمایه درست کند و با منافعش بردارد این عبارتیکه پیشنهاد کردم مفادش این است و بجهت اینکه این مسئله پیش بینی نشده است در نقط جنوب اکثر سرمایه اش از منافع آنجا است که

صد شانزدهش مال ما است و جزء سرمایه شده است و در کمیسیون هم این اواخر بر خوردیم باین مسئله لیکن چون همه روزها می در مجلس میگفتند چرا راپورت را دیر میآورید نند در آن مفصلاً مذاکره شود و در این قانون یکی از مطالب اصلی که من مخالف آنم این مطلب است که لازم است این است که پول ما را کمیانی سرمایه قرار بدهد و از بهلویش استخراج منافع بکند و مایول نداریم که بگذاریم سرمایه باشد.

مخبر - این اعتراض و پیشنهاد بپرد صورتیکه ذکر شد چندان وارد نیست تنها میکنم قدری دقت بفرمایند آقای مدرس مطلب را روشنتر فرمودند.

فرمودند سرمایه که صرف میشود و اسمش سرمایه مصروفه گذاشته میشود باید از یک ممری بیاید اینجا هم نوشته شده است (در آخر هر سال معین خواهد شد) قمرش کجاست؟

یا از فروش سهام است یا قرض خارجی است یا از منافع حاصله است که سرمایه افزوده شده پس ما در موقعی که در قانون مذاکره از سرمایه مصروفه میکنیم و سرمایه مصروفه را میخواهیم تعریف و تفسیر بکنیم این مسائل را ذکر کنیم.

حالا ببینیم این اعتراضیکه آقای مدرس میفرمایند وارد است یا نه؟

یعنی این منافع حاصله که اینجا گفته شده است مربوط بعد و بیست ما میشود یا نمیشود و اگر فرضاً مربوط میشود با اختیار و توافق نظر ما خواهد بود یا نه؟

اینجا اول مطلب اینست که بنظر بنده اگر قدری در مطلب ماده دقت بفرمائید خواهید دید که سرمایه مصروفه هیچ مربوط به صد بیست ما نیست چرا؟

بر گردیم تبصره یک در تعریف عایدات خالص ضمناً هم فراموش نکنیم که صد بیست ما از عایدات خالص است نه از چیز دیگر اینجا نگاه میکنیم می بینیم عایدات خالص عبارتست از عایدات غیر خالص منهای بعضی مصارف.

بعد مستثنیاتی هم برای آن مصارف قائل شد آنجا چه بود؟

سه چیز بود:

اولاً سهم دولت ایران که سهم دولت ایران بعایدی غیر خالص ارتباطی ندارد.

ثانیاً منافعیکه مابین صاحبان سهام توزیع میشود که در بین الهالین (دیوبانده) اصطلاح و معنی تجار تیش را نوشته پس ما می بینیم آن منافی را که میگذارند برای تقسیم بین صاحبان سهام قبل از اینکه سهم ما را از عایدات خالص بدهند از عایدات غیر خالص منها نمیکند.

اینکه در تبصره دو راجع به سرمایه مصروفه نوشته است (از منافع حاصله) بنده این منافع است یعنی منافعیکه بعد از پرداخت سهم دولت ایران میماند.

سهام دولت ایران با اصلاح خودشان سوپرپریت دارد یعنی حق تمام دارد یعنی بعد از اینکه سهم دولت ایران را که فلانقدر است برداشتند يك چیز های دیگری هم هست مربوط بخود کمیانی که از این عایدات خالص موضوع می شود آنوقت بدیوراند یعنی توزیع بین صاحبان سهام میرسد در این موقع است که کمیانی ها صاحبان سهام ممکن است بگویند و تکلیف کنند که از نقطه نظر رفع بعضی حوائج امسال ماصدیک یاصد دو از این منافع حاصله را که باید بین شما تقسیم کنیم کنار میگذاریم و بر سرمایه علاوه می کنیم .

این هیچ اثر باطلی بصدد بیست ما ندارد و لازم نیست این قسمت را آقایان در ماده بگنجانند . . . .

مدرس - همین جا بعد از ادای سهم دولت ایران قید کنید .

مخبر - لزومی ندارد تمام این تبصره ها و تمام این مواد را نمی شود یکی یکی در نظر گرفت از تمام اینها که روی هم است این معانی حاصل است:

در همین ماده سیزده گفتیم سهم دولت صد و بیست است از عایدات خالص بعد آمدیم خواتیم بیست عایدات خالص یعنی چه و آقایان تصدیق میفرمایند مخصوصاً آقای مدرس که همه جاد کبیسون بوده اند این تبصره هائیکه اینجا علاوه کردیم برای تعریف عایدی خالص تعریف سرمایه مصروف تعریف منفعت اضافی این را خواستیم این روشن کنیم وحدی اصلی بگذاریم برای اینکه اگر يك اختلاقی در آتیه پیدا کنیم ما از روی این اصل آن اختلاف را حل کنیم .

اشاره میکنند بمسأله کمیانی نفت جنوب موقع مذاکره در آن نیست و بنده نمیخواهم در آن باب داخل مذاکره بشوم .

اینجا با واسطه سرمشقی که از آنجا گرفتیم یا برای چیز دیگر تمام محکم کاری هائیکه باید بکنیم برای اینکه مسائل روشنتر باشد کردیم یکجا گفتیم صد بیست از عایدی خالص بعد اینجا آمده ایم هایدی خالص را معین کردیم که چه چیز است و قتی که معین شد که چیست و وقتیکه گفتیم از عایدی خالص باید قبل از اینکه منافع بین صاحبان سهام تقسیم گردد سهم دولت داده شود دیگر اشکالی ندارد

مدرس - (خطاب بر رئیس) اجازه می فرمائید توضیح مختصری بدهم

رئیس - بگفتنی مشکل است

مدرس - فقط دو کلمه اگر همینطور که آقا می فرمایند ریگی بگفتشان نیست این دو کلمه را اینجا اضافه فرمایند: بعد از ادای سهم دولت ایران

( از طرف نمایندگان - صحیح است )

مخبر - این بسته بنظر مجلس است که این ریسک را از کفش ما بیرون بیاورد .

رئیس - رای گرفته میشود به پیشنهاد . . .

مدرس - عبارت پیشنهاد را دو مرتبه بخوانند که آقایان مستحضر شوند (مجدداً شرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (جمعی از نمایندگان برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد

مخبر - در صورتیکه نظر مجلس تصویب کرده است ذکر این عبارت را بنده از آقایان پیشنهاد کنندگان تقاضا می کنم اجازه فرمائید با اطلاع و موافقت خودشان در هر نقطه از این ماده که این مقصود حاصل شود بطوری که اسباب مزاحمت نباشد و طرف اعتراض نکنند این عبارت افزوده شود .

رئیس - اینک به سر می گردد به کمیسیون .

مخبر - بلی برای اینکه بنده صلاح نمایانم مجلس يك چیز را رأی بدهد و ما بدون اینکه مشورت کنیم باقی ماده را بهم بزنیم باین ملاحظه بهتر این است که این ماده برگردد بکمیسیون بانظر پیشنهاد کنندگان در هر جائی از این ماده که صلاحیت دارد این عبارت را ذکر کنیم

مدرس - از حیث جایب می گویند عیب ندارد .

مخبر - بلی مطلبش را که مجلس رأی داد

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای اخگر .

( بمضمون آتی قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم: چون قیمت نگاهداری آلات رادوات در ماده قبل ذکر شده که بر قیمت نفت افزوده می شود سالی صد هفت و نیم هم برای استهلاك محسوب شده زاید است؛ ماده ثالث حذف شود

رئیس - آقا فرمائید

اخگر - اگر پیشنهادها بانضمام ماده بر میگردد بکمیسیون که در آنجا مطالعه شود و نعم المطلوب بنده قبول میکنم و حرفی ندارم و اگر نمیرود بکمیسیون بنده توضیح خود را عرض کنم

رئیس - پیشنهادها می رود بکمیسیون اخگر - پس اگر پیشنهادها می رود بکمیسیون حالا بنده عرضی ندارم برای اینکه وقت مجلس زیاد صرف نشود

رئیس - ممکن است کمیسیون قبول نکند آنوقت دوباره باید يك جلسه هم صرف پیشنهادها بشود

اخگر - خوب اگر میفرمائید توضیح عرض کنم

سردار معظم - بلی توضیح بدهند شاید قابل توجه شود

رئیس - بفرمائید

اخگر - در صفحه چهارده سطر هشتم نوشته شده است ثالثاً از کلیه سرمایه که برای خرید اسباب و ادوات و ملزومات و ماشین آلات و کلیه اشیا نیکه ممکن است بواسطه استعمال از قیمت آنها کاسته شود سالی صد هفت و نیم برای استهلاك محسوب خواهد شد در صورتیکه سابقاً قید شده بود و برای کلیه سرمایه مصروفه صد هفت و نیم استهلاك معین کرده بودند

البته کلیه مخارجی که برای وارد کردن ماشین آلات و ادوات و غیره میشود جزء سرمایه مصروفه است اگر این صد و هفت و نیمی که در این ماده ذکر شده مربوط بهمان است دیگر تکرار لازم نیست و اگر خیر يك صد هفت و نیم دیگری است البته تصدیق می فرمائید که برای يك سرمایه دو صد هفت و نیم نمی شود استهلاك قرارداد بهر جهت این عبارت زاید است به جهت اینکه در ماده سابق ذکر شده و در اینجا تکرارش بی مورد است بنابراین باید حذف شود

مخبر - توضیح مفصلی بنده در این خصوص داده ام دیگر تکرار نمیکنم و قبول هم نمی نمایم

رئیس - رأی می گیرم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

( چند نفر قیام نمودند )

رئیس - رد شد پیشنهاد دیگر آقای اخگر

( بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم بعد از عبارت ثانیاً هر گونه خساراتی که در عرض سال وارد بیاید و بوسیله بیمه یا بیک نوعی از امانات تأمین نشده باشد اضافه شود .

( در صورتی که ورود این خسارات بواسطه قصور اولیای دولت ایران باشد )

اخگر - در اینجا همانطور که قبلاً عرض کردم .

( و از طرف مخبر محترم جوابی نشنیدم )

بطور مطلق نوشته شده است هر گونه خساراتی که در عرض سال وارد بیاید آیا خساراتی است که اتفاقاً از طرف ایرانها وارد آمده است یا خساراتی است که از طرف خود کمیانی وارد شده در هر صورت می نویسد باید از عایدات غیر خالص کسر شود .

بنده عرض می کنم ممکن است يك خساراتی از طرف مأمورین خود کمیانی وارد بیاید بلی اگر يك خسارتی بواسطه اتفاقات فوق العاده از قبیل سیل یا حریق وارد آید

البته این گونه خسارات هم بما هم به کمیانی وهم بعموم شرکاء ضرر وارد می آورد ولی اگر يك خساراتی بواسطه

قصور مأمورین کمیانی وارد شد دیگر نباید محسوب شود .

علیهذا در این قسمت یا همین ترتیب که بنده پیشنهاد کرده ام این جمله ( و در صورتیکه ورود این خسارت بواسطه قصور اولیای دولت ایران باشد ) اضافه شود یا مفهوم مخالفش باین طور نوشته شود که اگر این خسارت از طرف مأمورین خود کمیانی باشد مسئولش اولیای دولت ایران نیستند .

وزیر امور خارجه - معلوم نیست که مقصود از اضافه کردن این عبارت چیست؟ آیا مقصود این است که معلوم شود اگر خسارتی از طرف دولت ایران وارد شود وارد آید مسئول کمیانی است اگر مقصود این است که احتیاج بگفتن ندارد بدیهی است هر کس بهر نحو باعث شد خسارتی وارد شود مسئول او است چه دولت ایران چه کمیانی ولی يك خساراتی است که مسئولیتش متوجه هیچ کس نمی شود از قبیل اینکه آتش بگیرد کشتی غرق شود و این قبیل خسارات و مقصود ما هم از ذکر این عبارت این قبیل خسارات است و اگر بخواهیم در هر ماده این قبیل توضیحات را بنویسیم باید يك شرح کشفانی در هر ماده بدهیم

مخبر - کمیسیون هم با نظر دولت موافق است

اخگر - چون توضیح دادند بنده قانع شده و مسترد میدانم .

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای اخگر ( بشرح ذیل - قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم عبارت ( و هم چنین کلیه مخارج که در واقع نمیتوان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب آورد ) حذف شود .

اخگر - البته هر مخارجی که کمیانی برای استخراج يك معدنی می کند مخارج است که مستلزم استخراج معدن میباشد از قبیل خرید ورود ماشین آلات کشتن لوله مزد عملیات و غیره که اینها هر کدام يك اسمی دارند .

بنده این جمله را نمی فهمم که می نویسد کلیه مخارجی که نمیتوان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب کرد یعنی چه؟

آیا اینها مخارج معمرانه است؟ يك مخارج غیر قابل قبول است؟ چه چیز است این است که معتمد این جمله حذف شود .

وزیر امور خارجه - خود آقای اخگر در ضمن توضیحاتش تصدیق کردند که مخارج متعدد است و اگر بنا باشد تمام آنها اینجا اسم برده شود خیلی مفصل خواهد شد آقای مخبر خوب توضیح دادند سرمایه دو قسم است يك قسمت سرمایه است که مصرف شده و از بین میرود يك قسمت سرمایه ایست که باقی میماند

ملا سوخت ذغال جزء آن قسمت سرمایه است که از بین میرود ولی خرید ماشین از سرمایه ایست که باقی میماند و از اینها پیدا کرد تمام را اسم برد

لذا يكی دوتا مثل بطور اختصار برای روشن شدن مطلب زده شده مثل مزد عملیات سوخت

مخارج اداری مخارج استخراج و بهر از این چند مثال می نویسد کلیه مخارجی که نمی توان آنرا جزء سرمایه مصروفه بحساب آورد .

مخبر - نظر کمیسیون هم موافق نظر دولت است .

رئیس - رأی می گیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند .

( عده قبلی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد .

پیشنهاد دیگر آقای اخگر ( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم در سطر ۱۹ بعد از اول سهم دولت عبارت ( و اتباع ایران ) اضافه شود

اخگر - جزو مستثنیاتی که اینجا ذکر شده است یکی هم سهم دولت است و همین دلیل هم آقای مخبر دفاع میفرمودند که اینجا سهم دولت منتهای در صورتی که صدسی از این سهام را دولت و اتباع ایران خریداری می نماید

این است که بنده پیشنهاد کرده ام سهم دولت و اتباع ایران یک صورت داشته باشد یعنی اختیار با اتباع ایران داده شود که اختیار سهام در دست خودشان باشد و همان طور که دولت از منافع استفاده می کند اتباع ایران هم همان استفاده را کرده باشند .

مخبر - اینجا اولاً حق دولت را با سهامی که اتباع ایران دارند نمیتوان يك نوع فرض کرد حق دولت صد بیست از منافع خالص است . . . .

حائز رأی زاده . ماده اش مفصل است ایشان تصریح ندارند

آقا سید یعقوب - ماده شصت و سه را هم در نظر بگیرد .

مخبر - و اسهامی را که اتباع ایران یا خود دولت میخرود صدسی از کلیه سهام است و آن چیز دیگر است و اینجا مقصود از سهم دولت صد بیست است نه سهامی که دولت یا اتباع ایران خریداری میکنند ببلاره مگر قسمت بعد که می نویسد ثانیاً منافی که ما بین صاحبان سهام توزیع میشود نظر آقای اخگر را تأمین نمی کند ، یا مگر اتباع ایران جزو صاحبان سهام نیستند؟

اخگر - اگر مقصود سهم صد بیست دولت است بنده پیشنهاد را مسترد میدانم .

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای اخگر ( بمضمون ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم راجع به تصاعد از صدی شصت به بالا در هر ده درصد اضافه دوعشر بر سهم ایران افزوده شود و باین تناسب هر اضافی منظور شود .

اخگر - در اینجا يك شرکتی است بین ما و کمیانی که صد بیست یعنی خمس منافع حاصله متعلق بما است و موافق قانون عموم شرکتهای دنیا هر طور که منافع حاصل شود در این صد بیست سهم دولت نباید اختلاقی حاصل شود .

حالا اینجا می گوید اگر منافع اضافی مابین ۶۰ و ۷۰ درصد باشد يك سهم بر بیست سهم اضافه میشود و مابین يك سهم از صد سهم می بریم

در صورتی که همان طور که منافع حاصله بشصت درصد برسد بمصداق بیست باید بدست از شصت به بالا هم برده سهمی که کمیانی عایدی اضافه میبرد دوسهمش را بما باید بدهد و هشت سهمش را خودش بردارد مثلاً اگر ده تومان عایدش شد دو تومان را بما بدهد هشت تومان را خودش بردارد پس در صورتی که از صد ۶۰ و ۷۰ کمیانی ۱۰ درصد اضافه منفعت می کند چرا باید يك درصد بمضافه بدهد در صورتی که مطابق صد بیستی که باید کمیانی بما بدهد از این پانزده سهم اضافه هم که می برد باید سه سهم بدولت بدهد چرا باید کمیانی پانزده سهم اضافی منفعت به برد و بما يك سهم بدهد

لهذا بنده پیشنهاد کردم که از هر ده تومان یاده صد تومان یاده صد هزار تومان که کمیانی بیشتر از موضوع مقرر استفاده می کند مطابق همان صد بیست اولیه که بما می دهد هشت سهم متعلق با او و دو سهم بما بدهد و این ترتیبی که در اینجا نوشته شده بهم می خورد و بجای بیست و يك بیست و دو میشود و بجای بیست و دو بیست و چهار و همین ترتیب بالا میرود دیگر بسته است بنظر آقایان .

وزیر امور خارجه - بنده خاطر آقایان را توجه می دهم باینکه این موضوع تصاعد يك قانون طبیعی نیست که ماملزم کنیم کمیانی را که چون تصاعد شصت بما صد بیست می دهد از صد شصت هم که بالاتر است بهمان ترتیب رفتار کند این امری است که باید بین طرفین توافق باشد و بطوریکه دولت ایران با کمیانی مذاکره کرده باین ترتیب طرفین قبول کرده اند و اگر ما بخواهیم این ترتیب را تغییر بدهیم باز ما مجبوریم برویم با کمیانی مذاکره کنیم و گمان هم نمی کنم بیش از این قبول کنند حالا بسته است بنظر آقایان

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن اصلاح آقای اخگر آقایانی که

این اصلاح را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

( چند نفری قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد دیگر آقای اخگر قرائت میشود .

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم در سطر ۱۸ بعد از عبارت ( بموجب دفاتر محاسبه خودشان ) عبارت با اطلاع مأمور دولت اضافه شود .

اخگر - چون جوابی که از طرف آقای وزیر امور خارجه داده شد اینطور بود که قرارداد با کمیانی بسته شده و هر چه مذاکره شود بی فایده است چون کمیانی قبول نمیکنند باین جهت بنده هم لازم نمیدانم که بی خود مذاکراتی بشود و اگر این ترتیب است که هر طور کمیانی اظهار کرده ما هم حتماً باید قبول کنیم بنده هم کلیه پیشنهادها را مسترد میدانم و گمان میکنم اصلاً لازم نبود در موضوع لایحه نطق مذاکره بشود همین قدر لایحه را می آورند و مجلس میگویند در این رأی بدهید .

وزیر امور خارجه - خیر آقای اخگر اشتباه فرمودند بلی مسلماً يك قرار دادی که بین دو نفر بسته میشود البته باید بشرایطی طرفین باشد ولی بنده اینجا عرض کردم که در این خصوص در مجلس سابق و در این دوره مذاکرات زیاد شده و حالا هم بنده بطور قطع عرض نکردم که هر پیشنهادی بشود و هر نظریه که آقایان نمایندگان داشته باشند کمیانی قطعاً قبول نخواهد کرد البته آقایان خودشان تجربه دارند و میدانند اولاً قبل از اینکه لایحه بمجلس بیاید آن وقتیکه دولت با کمیانی مذاکره میگردند تغییراتی در لایحه داده شده بود که بعضی از آنها را باوقبولانندیم و بعضی ها قبول نکردند بعد هم در کمیسیون مذاکره شد يك ملاحظاتی که باوقبولانندیم و بعضی از آنها را باوقبولانندیم ولی بعضی را باز قبول نکرد و در مجلس هم اظهاراتی که آقایان محترم میفرمودند بعضی از آنها را که بنظر خودمان هم صحیح می آمد و احتمال میدادیم که قابل قبول باشد در آن باب با کمیانی مذاکره کردیم و باز بعضی از آنها را باوقبولانندیم و باز بعضیها را رد کرد و منظور بنده هم از این عرض که کردم این نبود که هیچ حرفی نباید زد و دهان را باید بست بنده عرض کردم که این يك موضوعی است که در این باب خیلی مذاکره با کمیانی شده و تصور نمی کنم نظر سابقه که داریم قبول کنند

رئیس - ( خطاب با آقای اخگر ) پیشنهاد هایتان رایش گرفتید؟

اخگر - بلی همه رایش گرفته ام .

رئیس - دوقطره دیگر پیشنهاد باقی نمانده است

( پیشنهاد آقای کازرونی بشرح زیر قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم که برای احتراز ایجاد اختلافات و اشکالاتی که در رسیدگی به حسابات و استهلاك سرمایه و بر وجه رسیدگی بجزئیات امور و کمیانیهای فرعیه صدی ده از کلیه مواد منطقی که از ایران خارج می شود در سر حد صدی ده حق دولت را بدهند .

ع ۰ م کازرونی

رئیس - آقای کازرونی ( اجازه )

کازرونی - آقایانیکه در دوره چهارم بنده بشرح همکاری آنها مقرر بودم البته اطلاع دارند که این لایحه را يك دولتی بمجلس آورد که بنده با آن دولت موافق بودم و بعد از این طرز امتیاز مخالف بودم باز هم آقایان میدانند که من يك نظر خاصی ندارم و از نقطه نظر وجدان عقیده خود را عرض میکنم .

آقایان مختارند می خواهند قبول کنند می خواهند نکنند

نظر باینکه تبلیغاتی در اطراف این قضیه شده که در واقع يك حالت اختیاتی برای عقاید مایید آمده بطوریکه پیشرفت عقاید يك حالت بطوی بخود گرفته .

بنده حتی الامکان میخواستم اظهاری نکیم .

روزی که امتیاز نطق بمجلس آمد صدی ده سهم دولت از عایدات غیر خالص معین شده بود ولی چون معلوم شد که يك کمیانی مستقلی نیست همه ما نزدیک با اتفاق آنرا رد کردیم چرا ؟

برای اینکه يك کمیانی مستقل نبود و باز همه ما اتفاق کردیم که بيك کمیانی مستقل امریکائی داده شود و این کار را برای این کردیم که ضرری متوجه دولت ایران نشود و حالا عرض میکنم که در این امتیاز منافع دولت و ملت ایران کاملاً محفوظ نیست بمقیاده بنده صد ده فقط تصفیه نشده مطابق صد چهل فقط تصفیه شده است آقای مخبر محترم هم در دوره چهارم در ضمن توضیح هائی که میدادند میفرمودند بنتره صدی سی و دو است ولی بنده حاضر ثابت کنم که صدی چهل هم زیاد تر است يك کمیانی که اصلاح سرمایه اش را استهلاك میکند و سود سرمایه اش را هم میگیرد و مخارج کارخانجات را میگیرد حقوق متخذهین را میگیرد و این ترتیب نمیدانم چرا باید صد هشتاد از منافع را او برود و صد بیست بمابدهد اگر چه حضرت والا فرمودند

خدا برایتان ساخته یا هایتان را دراز کنید و بخورید چشم ما هم یا هایتان را جمع می کنیم و میخوریم . . .

نصرت الدوله - هو نکند

کازرونی - چشم‌هام نه وارد محاسبات میشود و نه وارد دفتر میشود نه خودمان را باسم کمیانی اصلی مسخره میکنیم اینها تمام الفاظ مجرده است که هیچوقت مصداق پیدا نمیکنند کمی ما میتوانیم باینهار سیدگی کنیم وقتی که بنا شد عین نطق سیاه از ایران خارج شد و رفت در یک محل دیگر تصفیه شد برای ما چه نفعی باقی خواهد ماند البته کمیانی ممکن است هزار قسم استفاده از سایر مواد نفتی ببرد ولی برای ما چه نفعی دارد نفعش همان سیاهی است که از ایران خارج شده است باین جهت بنده پیشنهاد کردم که ده درصد از عین نطق سرحد بما بدهد البته این ترتیب خیلی واضح و روشن است و اسباب سوءظن کسی هم نخواهد بود

مخبر - این پیشنهادی ده آقای کازرونی کردند همانطوری که خودشان گفتند یکی از مواد تعیین اخذ حق دولت ایران است و همانطور که تذکر دادند یک کمیانی در دوره چهارم بود و همین مأخذ که ایشان فرمودند یعنی صدده از عین جنس استخراج شده را پیشنهاد داده بود و در آن موقع مذاکرات زیادی شد و خیلی متأسفم که یک فترت طولانی بین مذاکرات دوره چهارم و پنجم واقع شده و حافظه ما هم البته محقق هستند که فراموش نمائیم.

در دوره چهارم ما بین بنده و موافقین دولت آنروز و شاهزاده سلیمان میرزا که جزء مخالفین بودند بقدری مذاکره شد و اعتراضات رد و بدل شد که اگر بصورت جلسات آنوقت مراجعه شود حقیقتاً چیز هرچیزی است و همه وقت گفته میشد که مادو کمیانی در مقابل داریم یکی از آنها اساساً غیر از آنکه از عین نطق بما بدهد طور دیگری قبول نمیکرد و یک کمیانی هم غیر از دادن منافع خالص طور دیگر قبول نمی کند و بالاخره در کمیسیون با توافق نظر آقایان و کلا دولت از تفصیلاتی که در اطراف این کار شد اینطور نتیجه گرفته شد که برای ما گرفتن از منافع خالص بهتر از عین نطق است و حالا اگر بخواهیم عین مذاکرات آن دوره را شرح بدهم خیلی طولانی خواهد شد

لذا آقای کازرونی را مراجعه میدهم بصورت مجلس های آنوقت که بروند و به بینند تمام استدلالات آنجا هست ولی یک چیز را حالا بنده عرض میکنم این نطق سیاه را که ما در سرحد گرفتیم تصدیق می فرمائید انبار میخواهد کارخانه تصفیه میخواهد لوله میخواهد هزار اشکال دارد و البته آقایان باید در نظر داشته باشند که این ترتیب یعنی گرفتن از منافع خالص بوده که بصرفه ما نزدیکتر بوده است و همان طور که عرض کردم این کمیانی هم بترتیب دیگری قبول نمیکرد

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای کازرونی

کازرونی - اجازه میفرمائید یک توضیح مختصری عرض کنم

رئیس - خارج از حدود نظامنامه است آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای وحیدالدوله قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

مقام مقدس ریاست مجلس شورای ملی

بعلاوه سهمی که از بابت این امتیاز کمیانی بدولت میدهد ساکنین محلهای نفت خیز تا درجه نسبت بسایرین بایه ذی نفع بشوند بنده پیشنهاد میکنم در نقاطی که حفر چاه میشود صاحب امتیاز مخارج تعلیم و تدریس اطفال ساکنین آن محل را بعهده بگیرد که از طرف دولت مدارس ابتدائی بقدر لزوم تأسیس بشود اطفال ساکنین و مالکین آن اراضی تا نیم فرسخ اطراف هر چاهی مجاناً در آن مدارس تحصیل نمایند

رئیس - توضیحی دارید

وحیدالدوله - منافع اراضی و ذخایری که در زمین هر محل است متعلق بساکنین همان محل است

اگر اهالی این چهار ایالت بکفداری معلومات داشتند خیلی قبل از اینها می توانستند این معادن را استخراج کنند لیکن بواسطه عدم معلومات محروم ماندند باین ترتیب خوب است کمیانی اقلا اطفال ساکنین آن محله را ذی نفع کند که من بعد بتوانند پیش از پدرانشان از حقوق خودشان استفاده کنند

باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم چاههایی که حفر میشود و یک منافع عمده از آنها میبرند چه ضرر دارد که یک مختصر از آنرا خرج تحصیل و تدریس اطفال ساکنین آن محل بنمایند

یک خرج فوق العاده ای هم برای کمیانی نیست و البته در تمام عالم کمیانیها در راه معارف کارهای بزرگتر از این می کنند چه ضرر دارد این کمیانی هم این مساعدت را با اهالی آن محل هابنمایند؟

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند

( چند نفری قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد بقره اصلاح دیگر مانده است

( حضون ذیل قرائت شد )

پیشنهاد میکنم در آخر ماده اضافه شود منافع کمیانی هر قدر از صد پانزده درصد اضافه شد بهمان نسبت و تصاعد کرد این ماده ذکر شده منظور شود و حقوق دولت ایران بهمان ترتیب اضافه و پرداخته شود

محمد هاشم میرزا

یک نفر از نمایندگان - این پیشنهاد رد شد

شیخ الرئیس - شما اصلاً به پیشنهاد گوش نمیدهید که چه میخوانند و میگویند که رد شد آن پیشنهادی که آقای اخگر کرده بودند غیر از این بود

اگر میخواهید مساعده رد کنید بسته بمیل خودتان است ولی قبلاً نفرمائید رد شده بطوری که اول هم عرض کردم اضافه صد پانزده یا صد شصت را بطور مرتب معین کرده اند و تصاعد را هم ناصد و بیست و هشت معین کرده اند

ولی میخواهم عرض کنم که چرا بیش از صد بیست و هشت را معین نکرده اند آقای مخبر لطفاً فرمودند آقای وزیر امور خارجه جواب خواهند داد بنده هر چه منتظر شدم آقایان وزرا بمن جواب ندادند آقای مخبر در ضمن بیاناتشان اظهار داشتند بطوری که تحقیق شده نطق جنوب که یکی از معادن مهم است صد و چهل ریش بیشتر عاید نشده و معلوم شد که این مسئله در کمیسیون تحت مذاقه و مذاکره نیامده است

بعلاوه این چه ضرری دارد اگر فرضاً هم نفعش زیاد تر از صد پانزده درصد نشد ضرری که نخواهد داشت ماحقوق دولت را بطور تصاعد معین کنیم بعلاوه آنطوری که آقای وزیر امور خارجه در جواب آقای اخگر فرمودند که بعضی مطالب که بنظر دولت هم صحیح و قابل قبول میآید با کمیانی مذاکره کرده اند

آیا این مطلب را هم با کمیانی مذاکره کرده اند یا خیر؟ ر بنده عرض میکنم این مطلب خیلی مهمی است و باید تکلیف از صد پانزده درصد ببالا هم معین شود و اگر احتمال است که بیشتر از این نخواهد شد ما هم احتمال میدهم که بیشتر میشود و اگر بهمان ترتیب که بنده پیشنهاد کرده ام از صد و پانزده درصد ببالا حقوق دولت را هم به طور تصاعد معین کند اگر احتمال ایشان پیشرفت کرد ضرری بجائی وارد نمیشود اگر هم احتمال ما پیشرفت کرد البته برای ما منفعت خواهد داشت اگر میفرمائید در نسخه فرانسسه ندارد ممکن است در آنجا هم اضافه کنند یا اینکه یک جواب قانع کننده ببنده بدهند

وزیر امور خارجه - ما در این باب جدیتی نداریم که همینطور بماند و منافع دولت زیاد تر نشود ولی باید توجه داشته باشند همانطوری که عرض کردم مسئله دو طرفی است و باید طرف مقابل هم قبول کند

در این خصوص بنده بطور قطع نمی توانم عرض کنم که طرف قبول نمی کند ولی چون همانطور که گفته شد خیلی مستبعد بنظر می آید که منافع از این بیشتر شود باین حال هم اگر آقایان قابل توجه بدانند باید با کمیانی مذاکره شود

رئیس رأی میگیریم بقبول توجه بودن

پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا آقایان که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند فرمایند

( جمع کثیری قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد ختم جلسه شده است • دیگر پیشنهادی نیست ماده هم مراجعه شده است بکمیسیون • جلسه ختم میشود جلسه آتیه روز پنجشنبه چهار قبل از ظهر دستور قبلاً یکدوازدهم بودجه راجع به برج سرطان • بعد لایحه نطق • آقای آفاسید یعقوب ( اجازه )

آفاسید یعقوب - بنده در اول جلسه افاضاً کردم دو نفر از آقایان نمایندگان ناخوش هستند تصدیق طلبیم هم آورده اند کمیسیون هم تصویب کرده است

رئیس - آآن قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی به مجلس شورای ملی : آقای دکتر - احیاء السلطه نماینده محترم بواسطه کسالت مزاج تقاضای یکماه مرخصی نموده و آقای دکتر امیر اهلیم نیز بموجب تصدیقی که ضمیمه است مرخصی و استراحت ایشان را لازم دانسته اند کمیسیون عرایض پس از مشاوره تقاضای نماینده محترم را پذیرفته و تصویب میکنند که از تاریخ دویم اسد لغایت یکماه با اجازه ثبت شوند

رئیس - آقایانی که مفاد این راپورت را تصویب میکنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد • راپورت مرخصی آقای آقامیرزا یدالله خان قرائت میشود

( بترتیب ذیل قرائت شد )

خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی به مجلس شورای - آقای میرزا یدالله خان نماینده محترم بواسطه رفع باره از گرفتاری ها و تصفیه امور شخصی تقاضای پانزده روز مرخصی نموده که تاریخ آن از پنجم محرم است کمیسیون بمذاق مشورت تصویب می نماید که در مدت مزبوره نماینده محترم غایب با اجازه ثبت شوند

رئیس - آقای مدبر الملک ( اجازه )

مدبر الملک - بنده اساساً بامرخصی ها البته مخالف بودم ولی در بعضی موارد مثل مرخصی آقای دکتر احیاء السلطه چنانچه آقای دکتر امیر اهلیم هم تصدیق فرموده اند نمی شود رأی نداد زیرا ایشان کسالت دارند ولی آقای آقامیرزا یدالله خان بطوری که معلوم است مرخصی میخواهند که با ملاکشان سر کشی کنند و باین ترتیب حقوق خودشان را تقدیم کتاب خانه مجلس بفرمایند و تشریف ببرند

ملک النجار مخبر کمیسیون - اجازه می فرمائید توضیحی عرض کنم

رئیس - بفرمائید

ملک التجار - بنده میخواستم عرض کنم که ایشان در حقیقت پنجروز بیشتر مرخصی نخواسته اند برای اینکه از پنجم محرم تا دهروز که تعطیل است و حقیقتاً کمیسیون پنج روز بیشتر تصویب نکرده است

یک نفر از نمایندگان کان - صحیح است

ملک التجار - بلی صحیح است

( خنده بین نمایندگان )

میرزا یدالله خان پس میگیم

رئیس - پیشنهاد آقای عظیمی قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم لایحه پیشنهادی دولت راجع بعمل دریاچه ارومیه و مذاقیانسی بکمیسیون خارجه نیز مراجعه شود زیرا این امر بمناسبت اینکه طرف تبه خارجه خود را معرفی می کند در وزارت خارجه و کمیسیون خارجه سوابقی دارد که دقت نظر کمیسیون مزبور را بنده لازم میدانم

رئیس - ایشان تقاضا کرده اند این لایحه به کمیسیون خارجه مراجعه شود مخالفی ندارد؟

آقای سر کشیک زاده ( اجازه )

سر کشیک زاده - بنظر بنده چون این مسئله مالی است بکمیسیون بودجه مراجعه شود

رئیس - اول که بنا بود بکمیسیون بودجه مراجعه شود ایشان پیشنهاد کرده اند به کمیسیون خارجه هم مراجعه شود اگر مخالفی نباشد رأی میگیریم •

شیخ الرئیس - اجازه می فرمائید بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید • شما که نمیگذارید کسی حرف بزند

شیخ الرئیس - بنده عرض میکنم مناسبت ندارد به کمیسیون خارجه برود به جهت اینکه مربوط بکمیسیون خارجه نیست حالا اگر دولت لازم میدانند چه عرض کنم ولی بعینه بنده لزومی ندارم به کمیسیون خارجه برود

عظیمی - گمان میکنم آقای شیخ الرئیس از موضوع کاملاً اطلاع ندارند این موضوع دوسیه های مفصلی در وزارت خارجه دارد در دره چهارم هم دوسیه این امر در کمیسیون خارجه بود بنده هم باین ملاحظه عرض کردم

رئیس - مخالفی ندارد؟

گفته شد خیر

( مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد )

م - شهاب

منشی - معظم السلطان

رئیس مجلس شورای ملی